

شامل برگزیده‌ای از مجله فرهنگ و هنر مسیحی

آوریل ۲۰۲۵ - فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۱۰۸

NO:108 APRIL - 2025



ماهنامه اسمیرنا به صورت رایگان عرضه می‌گردد



th
Anniversary

• HAPPY •
Easter

Smyrna Church JBM

SMYRNA MAGAZINE
NUMBER: 108

APRIL-2025

Copyright © 2025 by JBM
Presented By Jubal Band Ministries

سرديبير
عيسى

مجله مسیحی اسمیرنا

فروردین ۱۴۰۴ / مجله شماره ۱۰۸

صاحب امتیاز و مدیر مسئول

امید سبوکی

ارتباط با ما

اگر از نسخه آنلاین استفاده می کنید کافایت
روی آدرس ها کلیک کنید تا مستقیم وارد شوید

www.smyrna-magazine.com
www.smyrnacollege.com

smyrnamagazine@gmail.com
info@jubalbandministries.org

@smyrna.jubal.church

Smyrnachurch_jbm
Smyrna_church_jbm

Smyrna Church (JBM)
Omid Sabooki

(+1) 469 793 96 88
(+1) 770 268 91 76
(+90) 534 269 75 45

Smyrna Church (JBM)

صفحه پردازی: احسان، زهرا، حسن

طراحی صفحات: تیم گرافیک اسمیرنا

طراحی جلد: المیرا، امید

ترجمه: مهسا، مینا، امید

ویراستاری: تیم اسمیرنا

همیاران اسمیرنا

بهزاد، جواد، جیمز، یاشار، بهنام، زهرا، سمیه، کاوه، مایا،
مانده، فرشید، ادموند، ادیسون، استیو، مریم، مسعود،
شمس، علی، تراب، هلنا، محمدحسین، سارا، حسین، ...

و کلیسای اسمیرنا در

ترکیه، ایران، کانادا، اروپا و آمریکا

((یوبال باند)) گروه فرهنگی و هنری مسیحیان ایرانی و فارسی زبان می باشد.

مقالات، مطالب، دلنویسته و شهادت های خود را برای درج در مجله اسمیرنا برای ما ارسال فرمایید. اختیار ویرایش و خلاصه کردن مقالات با هیات تحریریه مجله می باشد. ناشران مجله از درج مقالات و نکاتی که حاوی مطالب اهانت آمیز به کلیساها، ادیان دیگر و یا گروه های سیاسی باشد، معذورند. مقالات مندرج در این مجله الزاماً نظریه ناشران مجله یا موسسه یوبال باند نیست. کلیه حقوق مربوط به آثار نوشتاری و گرافیکی و دیگر محتویات این مجله به طور کامل متعلق به گروه یوبال باند می باشد، و هر گونه استفاده بدون مجوز کتبی از طرف مدیر مسئول، غیر قانونی و قابل پیگیری می باشد.

آنچه در این شماره می‌خوانیم:

سرمقاله

نهمین سالگرد

۶

از گوشه و کنار جهان

خبر

۸

رسم شاگردی

فرستاده

۱۰

خانواده‌ای زیر صلیب

رستاخیز مسیح

۱۲

نقش و نگار

پیتر ارتسن

۱۶

نگاهی به سیخای جهان

پینوکیو

۱۸

شما می‌توانید برای دسترسی مستقیم به صفحه مورد نظر، روی آن کلیک کنید و برای بازگشت به صفحه فهرست نیز بر روی دکمه بازگشت کلیک کنید.



نگاهی به سیخای ایران

خروج

۲۰

معرفی کتاب

انضباط روحانی

۲۲

کلیسا در جفا

دعا کنیم در سختی‌ها...

۲۴

سبک زندگی، زندگی سالم

ویتامین‌ها

۳۰

تنور (آشپزی)

دسر نسکافه‌ای

۳۲

تاریخ سازان آسمانی

جان ویکلیف و ویلیام سويندربی

۳۴

کانون شادی

یکشنبه شاد

۳۶

صفحه روز

سالگردها را به خاطر بسپار

۴۲

من یک زن هستم

نعمی و روت

۴۴

ارتشی برای دعا

استان اصفهان

۴۸

دلنوشته‌های دور و نزدیک

نامه به پدر آسمانی

۵۰

سرگرمی

جدول

۵۲

گفت‌وگو و موعظه‌ها

ارتباط با ما

۵۴

کالج اسمیرنا

ارتباط با ما

۵۵

سر مقاله

نهمین سالگرد

پراز شمع و شادی و اشتیاق به مناسبت نهمین سالگرد! ۱۰۸ شماره گذشت. سه رقمی شدن را با هم به جشن نشستیم و با این شماره به سالگردی دوباره رسیده‌ایم. سفری که در هر ماه و هر سالگرد، برگ به برگ و مطلب به مطلب، سطرها و رَج‌ها را درنوردیدیم تا قلب محبت خداوند را به جامعه فارسی زبان اعلام کنیم. میوه‌ای شایسته توبه و شروع تازه‌مان آوریم و با عشق به یافتن گمشدگان تقدیمشان کنیم تا طعم محبت و عشق حقیقی در مسیح را بچشند و چشم به او بدوزند و رهرو شوند. رهرو در راهی که ما را به مقصدی رو به نیکویی و کاملیت فرا می‌خواند و در طی این مسیر، با او هم قدم هستیم، چنانچه وعده داده است: «هرگز ما را تنها نخواهد گذاشت» و بسوی مسیر سعادت‌مندی و فکرهای نیکویش هدایت خواهد کرد. تیم تحریریه اسمیرنا نیز از این مهم مجزا نبوده و در هر قدم در رابطه با خدا قدم برداشت و رهرو شده و امروز دهمین سال خود را

آغاز کرد. آغازی که همچون نوجوانی که پا به دوره جوانی خود گذاشته است و از دنیای پیرامونش و همچنین رابطه‌اش در خدا به عمق‌های بیشتری متمرکز خواهد بود. تمرکزی در سطحی تازه! ۱۰۸ شماره پیش، اسمیرنا، پا به ماموریتی بزرگ نهاد؛ ماموریتی که نور حقیقی را به دنیای تاریک اعلام کند و در هر برگ خود همچون نوری که باعث روشن شدن جاده می‌شود با مسیح همراه شد و سعی کرد تا همچون آینه‌ای منعکس کننده آنچه که مسیح بر او تاییده باشد.

منعکس کننده عشقی که همواره، همچون مادری برای کودک خود تابان است و در هر قدم به رشد و سلامت فرزندش می‌انداخت. دستی که همچون دست مسیح، آماده است تا افتاده را دست گیرد و به همراهی دعوت کند؛ دعوتی که خود او در مسیح همواره دنبال می‌کند.

و فکری که هر روزه برای نزدیکی به فکر مسیح اشتیاق دارد و تشنگی برای قوم گمشده.

امروز در این جشن تولد اسمیرنا، می‌طلبیم که بیش از پیش در این مسیر قدم برداشته و چشم به آن قهرمان دوخته که ننگ صلیب را ناچیز شمرد و در اطاعت، همچنان رهرو باشد....

شوقی عظیم در دل دارم
گمشدگان را بجویم
مژده نجات او را
به هر کس اعلام نمایم



امیر سوبکه



لطفاً کسی را بفرست تا شانه من را لمس کند و من ایمانم را از پشت بام فریاد خواهم زد. لحظه‌ای بعد دو نفر به پشت سرم آمدند و گفتند که خدا روی قلبشان گذاشت تا دستشان را روی من بگذارند و دعا کنند. **محبت او عظیم است و ایمان من حقیقی. ستایش تا ابد از آن خداوند عیسی مسیح است.**

این بازیگر همچنین افزود: «چند ماه پیش از خدا خواستم که هنگامی که حقیقت را می‌نویسم برایم علامتی بفرستد. وقتی «عیسی راه است» را تایپ کردم هیچ اتفاقی نیفتاد، اما وقتی اضافه کردم **عیسی تنها راه است**، چراغ اتاق نشیمن من روشن شد. علاوه بر این تاکنون دو بار از نزدیک با عیسی روبرو شده‌ام. این تجربیات گرانباتر و زنده‌تر از هر چیز دیگری در کل زندگیم بود و مشتاقانه منتظرم که به زودی در موردشان صحبت کنم. برای کسانی که نگران من هستند، باید بگویم مطمئن باشید از همیشه بهترم. آرامشی که احساس می‌کنم بسیار فراتر از آن چیزی است که فکرش را می‌کردم.»

در ماه دسامبر «باست» در توئیتر خود در مورد مبارزه‌اش با افسردگی صحبت کرد و نوشت: «اکثر افرادی که می‌شناسم از جمله خودم در حال حاضر در حال مبارزه هستیم. لطفاً با خود و دیگران خوب باشید، از کسانی که دوستانه دارید حمایت کنید و از درخواست کمک نترسید.»

«پارک» در پایان، جملاتی که «باست» بعد از ایمانش به عیسی مسیح به اشتراک می‌گذارد را بسیار دلگرم کننده خوانده و نوشت: «دعا می‌کنم که او همواره در ایمانش راسخ بوده و در مسیر شفا و امید در عیسی مسیح به پیش برود.»

«اما آنها که برای خداوند انتظار می‌کشند، نیروی تازه خواهند یافت و با بال‌هایی همچون عقاب اوج خواهند گرفت؛ خواهند دوید و خسته نخواهند شد؛ خواهند خرامید و درمانده نخواهند گردید.»

(اشعیا ۴۰: ۳۱)



عیسی تنها راه است

ستاره دیزنی «جاشوا باست» مسیحیت را پذیرفت. «جاشوا باست» بازیگر، خواننده و ترانه سرای کمپانی دیزنی که به خاطر بازی در مجموعه «دبیرستان موزیکال» به شهرت رسید، اعلام کرد که مسیحیت را پذیرفته و معتقد است که عیسی مسیح «تنها راه» است. «باست» ۲۲ ساله، ۵ ژانویه در توییتهای خود سخن گفته و سپس در استوری اینستاگرام جزئیات بیشتری را ارائه نمود. وی در توییت خود نوشت: **«عیسی مسیح تنها راه است. مرگ و رستخیز او از نظر تاریخی ثابت شده است. نفرت و بدخواهی را از خود دور کنید، بخشش و آموزش گناهان را بپذیرید و نزد او به خانه برگردید.»** بر اساس اطلاعات بدست آمده این توییت ۱۰ میلیون بار دیده شده و بیش از ۳۴۰۰۰ بار لایک شده است.

«جاشوا باست» که شخصیت «ریکی» را در مجموعه دیزنی پلاس به نام «High School Musical: The Musical: The Series» به تصویر می‌کشد، در سال ۲۰۲۲ نیز صدایش در سریال «نیک دلی» در «The Series Night at the Museum: Kah-munrah Rises Again» را بر عهده داشت. او در سال ۲۰۲۱ نامزد دریافت جایزه سالیانه «Kids' Choice Award» شد. «کالین پارک» روزنامه نگار و گزارشگر شبکه خبری «Fox News» که گزارشی از ایمان آوردن این بازیگر را در وبسایت خبری خود منتشر کرده است نوشت: «جاشوا باست در استوری اینستاگرامش به جزئیاتی بیشتری از نحوه ایمان آوردنش پرداخته و گفته: امشب در ساختمان کلیسا به حضور خدا دعا کردم و گفتم من می‌خواهم مطمئن شوم که عیسی خداوند است و تنها راه نجات.»



او نسبت به ما وفادار بوده و این سرود راجع به همین وفاداری است.» وی اضافه کرد که همیشه قصد انتشار نوعی موسیقی را داشته که به مردم این فرصت و توانایی را بدهد تا کنار یکدیگر با خدا ارتباط برقرار کنند و بتوانند از آن شرایط سخت و پیچیده الهام بگیرند. «کلارکسون» نیز خاطر نشان کرد ایمانش به خدا و بزرگ شدن در یک خانواده مسیحی باعث شده درک کند که **استعداد موسیقایی‌اش فراتر از این است که فقط به فکر خودش باشد و باید از آن برای تاثیرگذاری و ایجاد تغییر استفاده کند.** وی در ادامه به «جرمی» گفت: «تو مجرای چیزی بزرگتر هستی، چیزی مفید و تاثیرگذار.» در ادامه این گفتگوی کوتاه «روزادو» تک آهنگ جدیدش را در حضور حضار اجرا کرد. قسمتی از این سرود اینگونه است:

غم‌هایم را به شادی تبدیل کن طوفان را تنها با نوبت آرام کن انجام ده آنچه که گفتمی می‌کنی ایمان دارم، ایمان دارم می‌کنی

آگوست گذشته «جرمی روزادو» به «The Christian Post» گفت که امضای این قرارداد آرزویی بود که به تحقق پیوست. وی عنوان کرد: «یک دهه از زمانی که این حرفه را شروع کردم می‌گذرد، سالی‌هایی پر از فراز و نشیب. به خاطر همین اینجا بودم الان غیرواقعی است، مثل رویا است. از خداوند خیلی متشکرم فراتر از تصوراتم عمل کرد و مشتاقانه منتظر هستم ببینم که در این سفر مرا به کجا می‌برد.»

زمانیکه «روزادو» در برنامه «The voice» بود «کلارکسون» معتقد بود مخاطبین و دست اندرکاران موسیقی مسیحی او را با آغوش باز خواهند پذیرفت. وی در ادامه گفت: «جرمی، قدم بعدی تو هر آنچه که باشد، شک ندارم که حوزه موسیقی پرستشی و مسیحی، قرار است آغوش خود را دور آن استعداد زیبا و خدادادی که داری بپیچد.»



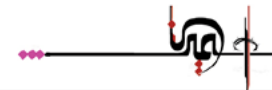
ایمان دارم انجام خواهی داد

«جرمی روزادو» فینالیست فصل ۲۱ برنامه «The voice» اخیراً در گفتگویی در برنامه تلویزیونی «The Kelly Clarkson Show» از ایمانش به عیسی مسیح سخن گفت و در مورد کارهای خداوند در زندگی خود شهادت داد.

«کلارکسون» در زمان حضورش در این برنامه استعدادیابی، مربی «جرمی روزادو» بود. «روزادو» به تازگی قرارداد بزرگی را با کمپانی موسیقی «Capital Christian Music» منعقد کرده است.

در این شوی تلویزیونی «روزادو» تک آهنگ جدیدش با نام «ایمان دارم انجام خواهی داد، Believe You Will» را اجرا کرد. وی بیان کرد که این سرود در مورد اعتماد به خدا در سختی‌هاست. این اعتماد برای او وقتی که خودش تنها ۲۱ سال داشت، در مورد به سرپرستی گرفتن خواهرزاده‌اش شکل گرفت.

وی بیان کرد: «من خواهرم را دوست دارم اما او با مسئله‌ای دست و پنجه نرم می‌کرد که به او اجازه نمی‌داد مادری که می‌بایست باشد.» بعد به یاد آورد که به خدا گفته بود **«به تو نیاز دارم که راه را به من بنمایی. نیاز دارم که وعده‌ات را به انجام برسانی و آنچه که گفته‌ای انجام خواهی داد، انجام دهی.»** این خواننده مسیحی گفت: «من در نیکویی خداوند زندگی می‌کنم.»



رسم شاگردی



چقدر باعث شادی و خوشحالی است که بار دیگر به سالگرد مجله اسمیرنا رسیدیم. نهمین سال و صد و هشتمین شماره! روزی که یادآور فراخواندگی و دعوتی است که به آن لیک گفتیم و با قدرت، قوت و هدایت مسیح روز به روز و ماه به ماه گذر کردیم تا امروز شاهد جشن نهمین سالگرد مجله باشیم. ما فراخوانده شده‌ایم.... همگی ما به عنوان ایمانداران به مسیح دعوت شده‌ایم که «فرستاده» شویم. این خواندگی من در مسیح عیسی است. در حقیقت شاگرد شخصی است که فرستاده شده است. او تنها و بی کس نیست بلکه وعده خدا این است که:

شما را بی کس نمی‌گذارم و تا پایان این عصر با شما هستم.

چون ما فرستاده او هستیم و فرستاده دعوت شده است تا با فرستاده خود به طور مداوم در رابطه باشد. ماهواره، دیش، گیرنده و ریسور بدون ارتباط با فرستاده، جایگاهی نخواهند داشت و مورد مصرف نخواهند بود. دیش و گیرنده (فرستاده) مدام از طریق سیگنال به فرستاده مرتبط است و هرگز تنها و جدا از آن نخواهد ماند. عیسی گفت: «من تا ک حقیقی هستم و شما شاخه‌ها و جدا از من هیچ نتوانید کرد.» ما به ارتباط و اقتدار او همواره نیازمندیم، درست همانند مأمور پلیس سر

چهارراه که به فرستاده و اقتدار آن نیازمند است تا دستان و سخنان او راه گشا باشد و تاثیر گذار. این معنی و بطن شاگردی در مسیح عیسی است. درک شاگردی ارتباط مستقیم به درک کردن یک «فرستاده شده» دارد. اشتیاق و انگیزه در میان گذاشتن **مژده انجیل** با دیگران تاثیر مستقیم بر زندگی خود ما دارد. اینکه به عنوان «فرستاده شده» عمل می‌کنیم یا خیر؟

در کتاب مقدس، شاگردی و پیروی مسیح را به چند چیز تشبیه می‌کند:

➔ **صیاد جان‌ها:** صیاد جان‌ها یادآور ماهیگیری پطرس و دعوت او به عنوان پیرو مسیح است. ماهیگیر صبور است. این اولین نکته در درک و مفهوم صیاد جان‌هاست. آیا در دنیای اطرافمان، دوستان، خویشان، خانواده و حتی همکاران به عنوان یک فرستاده شده مسیح عمل می‌کنیم؟ اهمیت گمشدگان و نجات جان آنها نکته‌ایست که همواره باید به یاد داشت.

➔ **سفیران مسیح:** در نامه «قرنتس»، «پولس رسول» اینطور می‌نویسد: «از آنرو که ما نیز که در این خیمه هستیم، گرانبار شده آه می‌کشیم، از آن جهت که نمی‌خواهیم این را بیرون کنیم، بلکه آن را پوشیم تا فانی در حیات غرق شود.»

یک سفیر مورد اعتماد است و او نیز به دولت و فرستنده خود اعتماد کامل دارد و بر قوانین و اطاعت از آن مشتاق است. حرف و سخن او حرف و سخن فرستنده اوست. بر اساس راستی در آنچه اعتماد دارد قدم برمی‌دارد.

➔ **کاهنان:** کاهنانی که با نگاهی به کلام خدا در یوشع، با شجاعت پا به رودخانه خروشان گذاردند تا با این اطاعت از فرمان خداوند باعث آزادی و گذر کردن مردمی بشمار شوند. ایستادگی آنها بر اطاعت و قدم برداشتن بر اعتماد موارد قابل اهمیت «کاهنان» است. یک فرستاده شده همچون کاهنی است که خود را وقف اطاعت از کلام خدا و خدمت او کرده است تا با ایستادگی‌اش ملتی به اراده خدا پا بگذارند و در آن وارد شوند.

➔ **کشاورزان سخت کوش:** یک فرستاده دعوت شده که همچون کشاورزی زمین را آماده بذر کلام کند و بذر را بکار و آبیاری کند. کشاورزی یک پروسه است از کاشت، داشت و



می‌باشند که کلام را به دل راست و نیکو شنیده، آنرا نگاه می‌دارند و با صبر، ثمر می‌آورند.» لوقا باب ۸ آیه ۱۵ پس از هموار کردن راه و کاشتن، حال باید آن را آبیاری کرد. با یکدیگر دعا کنیم و همراه شویم. این معنی کلیساست، این حقیقت جمع ایمانداران است. شریر در کمین است تا این ماموریت و فرصت را از شما بدزدد، شما را فریب دهد و ببلعد.

شکر کنیم برای کسانی که کاشتند و امروز من می‌توانم این بذر را آبیاری کنم. شکر برای خادمین راستین خداوند که همواره قلبی برای فرستاده شدن داشته‌اند.

و در انتها برداشت محصول در راه است. قلبی که به مسیح مایل شده است را شاهد خواهیم بود، قلب شاگردی را نظاره خواهیم کرد، قلبی که اشتیاق به تسلیم شدن و سپردن به مسیح دارد؛ امروز، اما برداشتی نبود اگر مراحل قلبی نبود و انجام نمی‌شد. امروز به یاد بیاوریم همین پروسه‌ای را که برای ما انجام شده است. کسانی که هموار کردند، کاشتند و آبیاری کردند تا امروز به عنوان ایمانداران از خوانندگان این مجله باشیم و آمین امروز این مجله همان هموار کردن و کاشتن بذر کلام برای شما باشد تا با دریافت بذر خدا بر قلب‌هایتان شادی و حیات و تازگی را به زندگی خود به ارمغان بدهید.

آمین امروز روز بیداری‌مان باشد.



اسمیر سبک

برداشت. معمولاً با شنیدن کلمه کشاورز به یاد محصول می‌افتیم و فارغ از پروسه‌ای که طی شده است به ثمره می‌نگریم. اما برای این محصول پروسه‌ای طی شده است. آماده سازی زمین چنان که یحیی تعمید دهنده گفت: «راه خدا را هموار کنید.» ما فرستاده شده هستیم و مسیح ما را به سوی شهر، کشور و مردمی می‌فرستد تا شاهدین او باشیم و مژده انجیل را اعلام نماییم. یک کشاورز به همه جوانب یک پروسه نگاه می‌کند و می‌اندیشد، او برای همه آن برنامه‌ریزی دارد و زمان را محاسبه می‌کند. در انجیل «لوقا باب ۸ آیه ۴» به بعد او بذر کلام را یادآور می‌شود. بذری که باید دعا کنیم بر زمین نیکو بنشیند و سی، شصت و حتی صد برابر ثمره بیار آورد.

دعا کنیم قلب‌های سخت همچون زمینی سخت شخم زده شوند و آماده بذر کلام. برای آمادگی و همواری هر قلبی برای دریافت کلام خدا دعا کنیم، این پروسه کاشتن است. با شهادت کار خدا در زندگیمان به دیگران و آنچه خدا در زندگی ما انجام داده است زمین‌های سخت را هموار کنیم تا آماده دریافت بذری شوند که در زندگی آنها حیات و تازگی را به بار خواهد آورد.

دعا کنیم خداوند به ما راه‌های خود را بیاموزد و به ما استراتژی و روش‌های خود را یاد بدهد. بعد در این زمین آماده شروع به کاشتن کنیم. بذری از کلام و مژده انجیل. در مورد مسیح و آیات کلام، شاید حتی با خواندن مزمور و یا توضیح آن. بذر کلام را در این دنیا بکاریم؛ بر قلب‌ها بکاریم چون تو یک فرستاده شده‌ای. «اما آنچه در زمین نیکو واقع گشت، کسانی



به مادر خود گفت: «بانو، دینک
پسرت». سپس به آن شاگرد گفت:
«دینک مادر». **۱۹: ۲۶ - ۲۷**
او را به خانه خود برد.

خانواده‌ای زیر صلیب

سلام و درود به همه عزیزان، عید قیام و روز رستاخیز عیسی مسیح از مردگان را به همه شما تبریک می‌گوییم. رسولان در لوقا باب ۲۴ آیه ۳۳ گفت و گو کرده می‌گفتند: «این حقیقت دارد که خداوند قیام کرده است زیرا بر شمعون ظاهر شده است. سپس آن دو نیز بازگفتند که در راه چه روی داده و چگونه عیسی را هنگام پاره کردن نان شناخته‌اند.»

در همین راستا با عزیزان و ایمانداران گفت و گویی کردیم تا اگر از قیام مسیح در زندگیشان شهادت و خاطره‌ای دارند برای شما به تحریر در آوریم.



سلام برادر یاشار عزیز، در مورد اینکه قیام برای شخص شما به چه معناست صحبتی دارید؟ و اگر خاطره‌ای هم داشتید با ما در میان بگذارید.

اول شکرگزاری می‌کنم برای خدایی که جسم پوشید اومد روی زمین و به خاطر گناهان ما انسان‌ها مرد تا به واسطه قیامش ما بتوانیم از مردگی‌ها، افسردگی‌ها، غصه‌ها، دردها، ناتوانی‌ها و مهمترین که راس تمام اینهاست و شاید همه اینها ثمره‌اش هستن یعنی گناه قیام کنیم. این معنی قیام برای من هست که البته توضیح کلام خدا هم همین.

خاطره اگر بخوام بگم، من اتفاقاً اولین باری که وارد کلیسا شدم در کشور ترکیه دقیقاً روز قیام بود بعد از ظهر حدود ساعت ۶. جالبه بدونید من دو ماه بود که دعوت شده بودم ولی نمی‌شد که برم و اون روز فوق العاده بالاخره بدون اینکه بدونم عید قیام هست وارد کلیسا و جشن شدیم. با همسرم انتهای کلیسا ایستادیم، جمعیتی حدود ۱۵۰ تا ۱۸۰ نفر اونجا بودند و از حجم انسان نمی‌شد وارد شد. اون روز هر نوع آرزو و رویایی در سر داشتم هر فکر انسانی و نقشه‌ای برای زندگیم غیر از مسیحی شدن و خادم خداوند شدن و دقیقاً همونی که فکر نمی‌کردم شد! چنان عشقی از خدا در من شروع شد که تمام زخم‌های من از گذشته التیام و شفا یافت و از فکرهای انسانی و رویاهای همیشه بی‌نتیجه خودم دست کشیدم و از مردگی‌های دنیایی خودم قیام کردم و مسیح در من و من در مسیح مسیر زندگیم شروع شد. ده سال هست که خادم خدا هستم، در کلیسای خدا خدمت می‌کنم و دوست دارم به همه اتفاق خوب زندگیم رو بگم. شکر برای خدا که وقتی ما دور بودیم اون نزدیک ما بود و به فکر ما.



خواهر نسترن عزیز قیام برای شما به چه معناست و برای شما تداعی چه چیزی هست؟

قیام و رستاخیز مسیح از میان مردگان برای من که سال‌ها در مردگی زندگی کرده‌ام و با فیض خداوند و نجاتی که دریافت کرده‌ام وارد دنیای نور و روشنایی شدم و انگار از دیدگانم که تار بود چیزی فرو افتاد و پا به مسیر و هدفی تازه گذاشتم معنا و مفهوم خاص و عمیقی دارد که همیشه آنرا در وجودم احساس می‌کنم و وقتی آنرا به یاد می‌آورم، احساس رهایی و آزادی دارم، همچون بیماری که



از زخمش شفا یافته است و درد از او برداشته شده، احساس آرامش می‌کنم. در مورد اینکه چه چیزی را تداعی می‌کند به یاد تعمیدم می‌افتم و کلماتی که در گوشم می‌پیچید، با مسیح می‌میرم و در قبر آبی گذاشته می‌شویم و با او زنده می‌شویم و این فرصت و شروع دوباره‌ای که برای ما در نظر گرفته شده است و خون مسیح آن بهای گزافی که برای من و ما ریخته شده است تا پاک شویم و با نفسی جدید آغاز کنیم. هر جایی که می‌رویم همقدم با مسیح باشیم تا عطر، رنگ و بوی او را بدهیم، تا نور و نمک باشیم و آن هدیه‌ای را که به رایگان دریافت کرده‌ایم رایگان هدیه دهیم و به ماموریتی که به آن خوانده شدیم، عمل کنیم تا خبر خوش انجیل را در همه جا پخش کنیم. آمین.



خواهر زهرا با تبریک قیام به شما عزیز خداوند، قیام برای شما به چه معنی است؟

با ایمان آوردن به مسیح و کار او بر صلیب و برخاستن از مرگ و زنده شدن کار خدا تکمیل شد. مفهوم قیام برای من قوت و اراده خداوند است و محکم بودن، امیدوار بودن عبور از موانع و سختی‌ها و یکی شدن در پدر، اینکه دنیا تو را به مرگ می‌برد اما با باور به قیام دوباره بلند می‌شوی و شروع تازه را در خداوند خواهی داشت. زیرا در حیات دوباره و قیام، محبت و عشق خدا جاریست. زندگی گذشته من و زندگی امروزم، زیباترین خاطره را برای من ساخت مرز مرگ و زندگی و این انتخاب خداوند بود که در گذشته بمیرم و امروز قیام کنم برای حیاتی تازه.



برادر رضا شما از حال و هوای قیام و معنی آن برای خودتان به ما بگویید.

شاید کلمه «قیام» قیام‌های مثل قیام پانزده خرداد، شورش ۵۷، قیام عاشورا؛ رو بیادم بیاره که همیشه از تعطیل بودن سالگرد این قیام‌ها شاد و شنگول می‌شدم؛ اما قیام مسیح یک معنی دیگه داره متفاوت و با اینکه برای این جشن آماده بشیم کلی تکاپو داریم و تعطیل نیستیم ولی شادی این قیام برای من از جنس دیگری می‌باشد چون باعث آرامش قلبی من شده.



برادر متیاس قیام را یادآور چیست؟

عید قیام در نظر من نماد تولد تازه است. یعنی دوباره نو شدن، زندگی دوباره پیدا کردن. از ویرانی و خرابی به آباد شدن و شکوفه دادن و مهمتر ثمره دادن. یک ایماندار همواره قیام رو در تمام حالات زندگیش تجربه می‌کنه. زمانیکه در خداوند و برای خداوند زندگی می‌کنیم هر روز تولد دوباره رو در روح تجربه می‌کنیم. با هر بار خواندن کلام خداوند، با هر بار اندیشیدن به کلام خداوند و

که قدرت محبت مسیح به درازا، پنهان و ژرفای خودش در قیام خود آشکار شده و اینگونه پیروزمندان به زندگی مسیحی خودمان ادامه دهیم.

خواهر الناز عزیز شما قیام را برای ما چطور به تصویر می کشید؟

قیام یعنی جایگزین شدن فکر و اراده مسیح به جای نفس، خواست و افکار من؛ در من تنبلی و راحت طلبی مرد و فکر مسیح که خدمت و کار در مسیر اراده خداست جایگزین شد.

خواهر مصی قیام عیسی برای شما یادآور چه هست؟

شهادتی که از قیام مسیح می‌تونم بدم کاری هست که در زندگی من کرد و با فیضش مرا از مردگی به حیات تبدیل کرد.

قیام برای من محبت بی‌قید و شرط مسیح روی صلیب و زنده شدن او و دریافت روح قدوسش برای تمام کسانی هست که به او ایمان بیاورند هست و عید قیام یادآوری صلیب و زنده شدن او پس از سه روز که نشان دهنده خدای زنده است. او زنده است.

خواهر سحر قیام مسیح در زندگی شما چه تاثیری داشته؟

وقتی داشتم «متی باب ۲۸» رو می‌خوندم یاد دروس یوحنا افتادم: مهمترین چیزی که برام داشت این بود که عیسی ما را فرا خوانده که شاهدین باشیم. شاهد زنده! او ما رو دعوت می‌کنه بیا و ببین و بعد برو و شهادت بده. کاری که مسیح توی زندگی ما کرده رو به یاد بیاریم، شهادت بدیم و اعلام کنیم. بشارت بدیم و هر مانعی که توی مسیر بشارت هست کنار بزنیم. پیام مسیح رو باید برسونیم و به مردم بگیم عیسی ما را شفا داده و تبدیل کرده. باب ۲۸ متی در مورد رستاخیز مسیح نوشته بود که بعدش میاد و به شاگردان ماموریت بزرگ میده، کاری که مسیح برای ما انجام داد عشق و فداکاری بود نسبت به ما و قیام او برای ما پر از امید و شادی هست. ما می‌تونیم از این به بعد بخشش، نجات و حیات رو بجشیم و دریافت کنیم.

این هم گوشه‌ای از کار خدا در زندگی چند نفر از نجات یافتگان.

چقدر خوشحالیم که امروز این گفتگو را شنیده و شاهد بودیم.

هللویا و شکر برای کار خداوند که برای ما انسان‌های گناه‌آلود

جسم پوشید، بر زمین آمده، بر روی صلیب رفت و مرد و

قیام کرد تا ما امروز از تمام مردگی‌های خود بیرون و از

هر قبری که در آن گرفتار هستیم خروج کنیم. آزادی

در عیسی خداوند را به تک به تک شما اعلام می‌کنیم. بار

دیگر قیام عیسی مسیح مبارک.

روزی که متوجه قلب مرده خودم در بخشش شدم و زیر بار گناه محکوم و از بخشش مرده می‌دانستم از مسیح خواستم تا همانطور که ایلعاز را زنده کرد قلب مرده مرا زنده کند و در قلبم قیام کند. او آمد و با قیامش در قلبم یکبار دیگر مرا احیا کرد و قدرت بخشیدن به من داد. عیسی بر مرگ و گناه قدرت دارد و با قیامش این قدرت را آشکار کرد. معنی قیام خدا برای من این است که او غیر ممکن‌ها را ممکن می‌کند، ممکن می‌کند که در اون حیات و نجات است. او همچون سامری نیکو با خونسش شفا بر زخم‌های ما شد، او بدی ما را با نیکویی پاسخ داد.

خاطره‌ای که در جشن قیام در کلیسا داشتم این بود که یکسال در این جشن با شکوه تئاتری با گروه جوانان بازی کردیم که با بچه‌ها هر کدام اسم اسارتی را بر کاغذی نوشته و برگردن خود آویخته بودیم که از طمع، خشم، غرور، اعتیاد، ترس و افسردگی نقشی را به همراه داشتیم و از هم جدا ایستاده بودیم و با آمدن عیسی و لمس و کلامش هر کدام نجات را پیدا کردیم و اسارت‌ها در هر کدام از ما تبدیل به آرامش، ایمان، آزادی، فروتنی، شادی و بخشش شد و با هم در اتحاد دست در دست هم در حضور خدا دعا کردیم و این پیروزی در خدا را جشن گرفتیم. در حقیقت این صحنه نمایش در قلب هر کدام از ما که ایمان داریم عیسی خداوند است و قلب و زندگی خود را تسلیم اراده او کردیم نمایان شده است.

شکر برای محبت خداوند که کامل و کار او تبدیل مرگ به حیات است. از عیسی می‌طلبم باور کهنه مرا تبدیل کند و باورم را بر روی خود که صخره است بنا کند و مرا تسلی دهد. عیسی جان دوست دارم مرسی که هستی.

خواهر فرناز عزیز قیام عیسی مسیح برای شما چه داشته.

لطفاً بر کتتان را با ما به اشتراک بگذارید.

قیام مسیح برای من این طور مکشوف شده است: هر جایی از زندگی‌ام که دچار شکست، سرخوردگی، اضطراب، احساسات منفی، اسارت فکری و غیره می‌شوم به یاد می‌آورم که عیسی مسیح وقتی به صلیب کشیده شد به هاویه رفت و به همه قدرت‌ها و نیروهای تاریکی که هر لحظه ممکن است باعث رنج ما بشوند پیروز شده است، اینطوره که آرامش خاصی به دست می‌آورم و خوشحال از اینکه حکمت قیام مسیح در محبت او نهفته است و ما امروز می‌تونیم به نیروهای تاریکی در زندگی‌هایمان اعلام کنیم

در هر نوبت اجرای فرامین کلام، قیامی در روح و جان ما اتفاق می‌افتد. من قیام را در کلیسا نیز تجربه کرده‌ام و شاهد آن بوده‌ام. تولد دوباره آدمها در کلیسا با چشیدن خدای زنده. هر بار که به فیض خداوند من به یاد قیام عیسی مسیح می‌افتم و برای تولدهای تازه از خداوند سپاسگزاری می‌نمایم.

خواهر سمیه عزیز با تبریک قیام نظرتان را در مورد قیام بشنویم و خاطره‌ای را با ما به اشتراک بگذارید.

قیام مسیح بر شما مبارک باشد، از خداوند می‌خواهم که این قیام عظیم خداوند در مکاشفه روح‌القدس بر ما عمیق‌تر آشکار گردد. خداوندی که برای نجات ما از گناه بر صلیب شد، در قبر نهاده شد و بعد از سه روز از مردگان برخاست و قیام کرد. او اقتدار دارد گناهان ما را ببخشد و ما را در مسیر پارسایی هدایت و رهبری کند. او تنها راه و راستی و حیات است. اوست که ما را از مردگی‌ها برمی‌خیزاند چون او قادر مطلق است. او در میان ماست، در میان کسانی که به او ایمان دارند و او را می‌جویند و از پی او روانه می‌شوند. او خداوند است، خداوندی که صخره است و صخره‌های سخت قلب ما را می‌شکافد تا از امنیت در او سیراب گردیم. او شاه شاهان است. خدای لشکرها، خداوند ازلی و ابدی. کار او تبدیل است. تبدیل مرگ به حیات، مرگی که از گناه ریشه می‌گیرد. او شبان اعظم ما است و ما با او محتاج به هیچ چیز نخواهیم بود. او از مردگی‌ها و تاریک‌ترین وادی نیز ما را عبور می‌دهد و ما را دلگرمی می‌بخشد. او برای ما می‌جنگد، هر جا که به او اعتماد می‌کنیم و به او می‌سپاریم. او آغوشش برای ما هر لحظه باز است تا ما را در بر گیرد. چطور می‌توانم بینم کسانی را که مسیح را دوست ندارند؟ و حالا چطور می‌توانم قدم بردارم جز اینکه آن را در خودم زندگی کنم. خیلی سخته انسان تمرکزش رو از خود برداشته و متمرکز مسیح باشد و اینجاست که می‌تونم کمکی باشم که مردم مسیح ببینند و او را دوست داشته باشند. عیسی بر صلیب کشته شد که امروز خدا پیش ما باشه و نخواهیم با دست و پا زدن‌های انسانی و کشتن خودمان پیش خدا برویم.



درود به شما دوست داران و علاقه مندان هنر!
رستخیز و قیام خداوند ما «عیسی مسیح» بر شما فرزندان محبوب او مبارک.
در شماره پیش نگاهی به آثار زیبای «پتر آرتسن» انداختیم و در این شماره
نیز تأملی به چند اثر او خواهیم داشت.

غرور



موضوع تابلو بعدی طبیعت بی جان است که داستان دو خواهر
در کتاب «انجیل لوقا باب ده» را نقل می کند که یکی نزد
پاهای عیسی نشسته و متمرکز بر اوست در حالیکه دیگری
در گیر روزمرگی است.
نام دیگر این اثر «Vanitas» به معنی غرور و خودبینی است.
در نگاه اول تصویر یک آشپزخانه معمولی به چشم می خورد
اما با نگاهی دقیقتر متوجه می شویم که صحنه ای واقعی در
پس زمینه اثر جای گرفته است.
در تصویر پس زمینه بر روی قاب فلزی «آیه ۴۲ از باب
۱۰ انجیل لوقا» به زبان هلندی درج شده است. پاسخی که
عیسی در جواب شکایت مارتا از مریم به دلیل کمک نکردن
در کارهای آشپزخانه، به او می دهد: «**مریم آن نصیب بهتر را
برگزیده است**» بر روی یکی از کاشی های سمت چپ نیز لوقا
۱۰ به چشم می خورد. مشکل مارتا این نبود که در آن لحظه مشغول
کار و پذیرایی است بلکه مسئله اینجاست که اولویت های او چیز
دیگری شده بود، تا جایی که عیسی را فراموش کرد. این الویت ها
او را به جایی رساند که جایگاه عیسی را فراموش کرده و حتی به او
فرمان می دهد که به خواهرم بگو به من کمک کند.
نقاش با استفاده از هنر طبیعت بی جان نمادهای زیبایی را در این اثر
جای داده است که هر کدام نشانی از نیازها و خواسته های انسانی
است. به طور مثال کلید که نمادی از حرکت به سوی خوشبختی و
گنج سعادت است و یا گوشت که سمبل زنده ماندن و حیات است.

مسیح در خانه مریم و مارتا

تابلوی مذکور نقاشی رنگ روغن بر بوم است که بر اساس کتاب
«انجیل لوقا باب ۱۰ آیه ۴۰» نقاشی شده و در «موزه بویمانس فان
بنینگن» در «روتردام» نگهداری می شود.
در پس زمینه نقاشی گروهی را می بینیم که به سخنان عیسی گوش
سپرده اند در حالیکه تصویر شلوغ آشپزخانه و میزهایی مملو از
خوراکی های متنوع در نمای نزدیک تابلو خودنمایی می کند.
«آرتسن» از تلفیق امور روحانی و زمینی برای به تصویر کشیدن
داستان دیدار عیسی با مریم و مارتا استفاده کرده است. ظروف

نقاش تصویری از دنیای امروز و زندگی های امروزی را
ترسیم می کند، جایی که ما **آنقدر گرفتار و متمرکز
بر دنیا و خواسته هایمان شده ایم که قادر به درک
دعوت عیسی از خودمان نیستیم.**

در تابلوهای این هنرمند عیسی در پس زمینه داستان نقاشی
شده در صورتی که موضوع اصلی و تمرکز این تابلوها بر
عیسی مسیح است. این آثار، دنیا و دل مشغولی های آن را
به خوبی ترسیم می کند؛ جایی که همه ما به دنبال خدمت
کردن و خدمت شدن هستیم و در گیر و دار برکات دنیایی به
سر می بریم در صورتی که عیسی همه ما را دعوت می کند
تا نزد پاهای او بنشینیم و درک کنیم که نقطه مرکزی تابلو
زندگی ما خود عیسی مسیح است. **اولویت اصلی ما در
پی پادشاهی خدا بودن است.** شاید متمرکز خیلی
چیزها هستیم و عیسی را در پس زمینه زندگی نمی بینیم؛
بیا یاد عیسی را در اولویت قرار دهیم.

در هم شکستن مذبح بعل

آخرین اثری که در این صفحه به معرفی آن می پردازیم بین سال های
۱۵۵۰ تا ۱۵۵۵ خلق شده است، نقاشی سیاه قلم که در ابعاد کوچک
۲۷ در ۲۷ سانتی متر و بر اساس کتاب «داوران باب شش» می باشد
که داستان «جدعون» را ترسیم می کند
جدعون که یکی از داوران عهد عتیق بود از طرف خداوند ماموریت
یافته تا مذبح بعل را که در آن زمان توسط قوم پرستیده می شد، در
هم بشکند.
در تصویر، ده تن از خادمان او را می بینیم که بت ها را در هم
می شکنند، همچنین مشعل های در دستشان حاکی از آن است که
این اقدام شبانه انجام شده است.

جدعون و خادمانش اگرچه از مردم شهر به خاطر این اقدام
می ترسیدند اما اطاعت از خدا را و رای همه چیز قرار دادند.
با نگاهی دقیقتر متوجه می شویم که ریشه درخت اگرچه به
ظاهر قوی و تنومند است اما هیچ عمقی ندارد، امروز
بیا یاد تا ما هم به ریشه های بت پرستی که رشد کرده و به
درختان تنومندی تبدیل شده اند بنگریم و آنها را از ریشه
برکنیم. در مقابل در هم شکستن این بت ها، در پس زمینه تصویر
جدعون را مشاهده می کنیم که به فرمان خدا گاوی را در قربانگاهی
که برای یهوه خدا ساخته بود گذاشته و به خداوند تقدیم می کند.

این تابلو این آیه از کتاب اشعیا را به یاد ما می آورد:
«سرزمینشان پر از بت های بی ارزش است؛ در برابر صنعت دست خویش
سجده می کنند، در برابر آنچه انگشتانشان ساخته است.» اشعیا ۲



آمین که در این سال نو تصمیمی تازه بگیریم که در هر شرایطی
نصیب بهتر یعنی نشستن نزد پاهای خداوند و گوش سپردن
به او را برگزینیم.



امروز توکل ما بر چه چیزی است؟ و چه ترسی را در دل می پرورانیم؟
بیا یاد امروز که یادآور قیام عیسی مسیح می باشد هر آن چیزی که
در زندگی مان جای خدا را گرفته به قدرت نام او فرو بریزیم و تنها
او که خدای زنده و حقیقی هست را پرستیم.





پینوکیو

PINOCCHIO



«پینوکیو گیلرمو دل تورو» Guillermo del Toro

s Pinocchio یا «به سادگی پینوکیو» یک فیلم موزیکال فانتزی محصول کمپانی «Netflix» است که در سال ۲۰۲۲ به کارگردانی «گیلرمو دل تورو» و «مارک گوستافسن» به نمایش در آمد. فیلمنامه این فیلم پویانما را دل تورو و «متیو رایبنتز» نوشته‌اند و برگرفته از رمان ایتالیایی «ماجراهای پینوکیو» نوشته «کارلو کولودی» در سال ۱۸۸۳ است. این انیمیشن نامزد و برنده خیلی از جوایز سینمایی شد و همچنین بعد از فیلم انیمیشن «Missing Link» تبدیل شد به بهترین استاپ موشن «Stop_motion». بازیگران بنامی همچون «گریگری مان» در نقش «پینوکیو»، «ایوان مک گرگور» در نقش «سپاستین»، «دیوید بردلی» در نقش «ژپتو» صداپیشگی می‌کنند. همچنین از دیگر صدا پیشگان می‌توان «کیت بلانشت»، ران پلرمن، تیلدا سویتن» را نام برد. از دیگر فیلم‌های دل تورو می‌توان به «جادوگران، تیغه ۲،

هزارتوی پن، سری فیلم‌های هابیت» و فیلم «شکل آب» که برنده جایزه اسکار ۲۰۱۷ در بخش بهترین فیلم و بهترین کارگردانی شد اشاره کرد.

خلاصه فیلم

ژپتو نجار و مجسمه‌ساز متبحر به همراه پسر خود در حال ساخت مجسمه مسیح در کلیساست که با بمباران هوایی شهر، پسر خود را از دست داده و در غم او افسرده می‌شود. او تصمیم می‌گیرد تا از درخت کاج سوخته شده بالای قبر پسر خود، عروسکی به یادبود فرزندش بسازد. در همان شب عروسک به وسیله فرشته‌ای روح زندگی می‌گیرد و جای خالی پسر را برای ژپتو پر می‌کند.

فرشته، این عروسک را پینوکیو می‌نامد حال او باید در دنیای تازه‌ای که چشم گشوده است تجربه زندگی بیاموزد و در این راه با ماجراهای تلخ و شیرین روبرو می‌شود.

بررسی فیلم

پینوکیو؛ شاید به جرأت یکی از محبوب‌ترین و مشهورترین داستان‌های جهان و به‌خصوص بین ایرانیان بوده و هست. فیلم‌ها و انیمیشن‌های متعدد و بیشماری در کشورهای مختلف بر اساس این کتاب ساخته شده است. همچنین میلیون‌ها کپی از کتاب و نقاشی‌های برگرفته شده از این داستان در دسترس ملیت‌ها و اقشار مختلف و سنین متفاوت قرار گرفته است.

اما اینبار در این انیمیشن، کارگردان و نویسنده توانسته‌اند از فرم این داستان قدیمی، تصویر و جایگاهی تازه را ایجاد کنند و این داستان محبوب را به نگاهی نو سوق دهند.

در ابتدای این انیمیشن می‌بینیم که پدر ژپتو با فرزند خود به نام «کارلو کلودی» زندگی می‌کند و او را در بمباران هوایی جنگ از دست می‌دهد و با رویای او پینوکیو را می‌سازد. کارلو کلودی نویسنده اصلی داستان پینوکیو است که کارگردان با این نگاه اذعان می‌دارد که کارلو (نویسنده) در پینوکیو زنده است و هنوز تأثیر خود را بر این دنیا داشته و خواهد داشت.

چقدر این نگاه ما را به یاد عزیزان و خادمین مسیحی-ایرانی می‌اندازد که با ایستادگی، انجیل و پیام مسیح را به مردم رساندند و جان خود را نیز در این راه از دست دادند ولی امروزه به واسطه خدمتشان هنوز زنده هستند و ثمرات آنها در حال بیشتر شدن است.

پینوکیو ساخته و روح زندگی در او دمیده می‌شود. همانطور که خدا روح و نفس خود را بر ما دمید تا حیات، زندگی و تازگی داشته باشیم و بدین وسیله زیست کنیم. اما پینوکیو نیاز به رشد و درک از رابطه و حقیقت را دارد. او باید بزرگ شود، چرا که اشتباهاتش نادانی و عدم شناخت درست حقیقت او را به مصیبت‌ها رهبری

و افراد مختلف برای سودجویی خود او را به بردگی می‌گیرند. او وارد جنگ‌ها می‌شود و این جنگ‌ها او را به کشتن و تاریکی سوق می‌دهند. هر بار که پینوکیو کشته می‌شود، به زندگی بازگشت می‌کند ولی باید طولانی‌تر در دنیای تاریکی بماند. هر اشتباه و عملکرد بدون شناخت، او را در اسارت بیشتری غرق خواهد کرد. پدر ژپتو به دنبال اوست و برای بازگرداندنش به خانه از هیچ هزینه و خطری ابا ندارد؛ هر آنچه را که دارد به صاحب قایق می‌دهد تا او را برای نجات فرزندش به آن طرف دریا برساند.

در سکانسی پینوکیو را با حیل و فریب به سیرک می‌کشاند و قراردادی امضا شده او را به اسارت صاحب سیرک می‌کشاند. او مجبور است برای خوشنودی و سودجویی صاحب سیرک، از جنگ، کشتار و صاحبین جنگ تعریف و تمجید کند. اما پینوکیو همیشه حق انتخاب دارد. حق انتخاب ماندن در اسارت و یا انتخابی به آزادی و رهایی حقیقی و بازگشت به آغوش پدر.

با شناخت حقیقت و ماندن در مسیر رشد در کنار پدر، او به درک بیشتری از زندگی و رابطه می‌رسد و این باعث ماندگاری و تأثیر او در دنیای اطراف و حتی تا دورترین نقاط می‌شود.

آمین در ماندن در کلام خدا و مسیر او به پیش رویم و با ایستادگی در مسیح و در این راستی، به شناخت او بالغ شویم و تأثیری تا ابدیت از ما به جا بماند، تأثیری که زندگی، حیات و تازگی را به ارمغان دارد.



بررسی فیلم:

«عدل آباد»، روستایی که نامش از عدل و عدالت گرفته شده ولی عدالت از آن دور است، اینگونه اسم‌ها برایمان بسیار آشناست، آن هم در حال و هوای این روزهای کشورمان که برابری و عدالت تنها شعاری بیش نیست. مردم عدل آباد که از ناعدالتی و بی‌توجهی مسئولین به این نتیجه رسیده‌اند که برای رسیدن به مفهوم اصلی عدالت باید خروج کرد، با رهبری «رحمت» با بازی «فرامرز قریبیان» از آن روستا، خارج می‌شوند. خروج از گناه، خروج از شعار، خروج از اسارت، خروج از بستگی نگاه‌ها و تعصبات، خروج از مرده پرستی و به حرکت درآمدن، آن هم با رحمت خدا و در فیض او کاری است که ما برای نجات و رهایی می‌بایست انجام دهیم؛ می‌بایست خارج شد و چشمان را به جاده دوخت و در مسیر اصلی قدم برداشت.

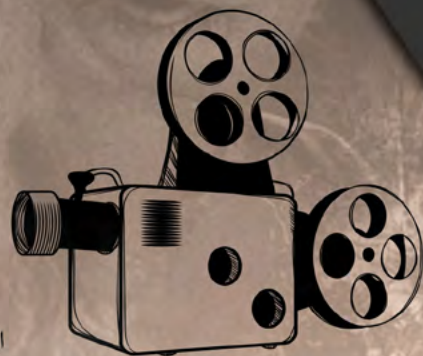
ابتدای فیلم زمانی که کشاورزان شبانه مشغول بارگیری آب مورد نیاز زمین‌هایشان هستند قطاری بر روی ریل و مسیر اصلی خود در حرکت است و کشاورزان بی تفاوت به کار همیشگی خود مشغولند. قطار تازگی و حیات در مسیر خود در حرکت است و بسیاری از ما هستیم که بی تفاوت نسبت به این قطار و در روزمرگی و تکرار گیر کرده‌ایم؛ هر روز و هر شب برای بارگیری آب مورد نیاز در زحمت هستیم و خود را مشغول می‌سازیم؛ چه زیبا عیسی مسیح در انجیل «یوحنا باب چهارم» به زن سامری که برای بدست آوردن آب روزانه خود به محل چاه آمده بود، آب حیات و جاری یعنی خود را می‌نماید تا هرگز تشنه نگردد، زنی که راه و روش‌ها و روزمرگی‌های خود را پیشه کرده بود به یکباره با یافتن این آب حیات به جریان می‌افتد و این مژده را به دیگران منتقل می‌کند.

قطار در حرکت است، بهتر این است که به این قطار پیوندیم و در راه بمانیم... در این مسیر درست به مانند خروج کشاورزان از روستای به ظاهر عدل آباد، طعنه‌ها، ترس‌ها، تهدیدها و گاهی ناامیدی‌ها و بی‌وفایی‌ها از طرف دشمن خواهد بود ولی در مقابل آن تشویق‌ها و قوت‌هاست و انگیزه نجات و رهایی که ما را تا به انتها پایدار نگاه می‌دارد. همانطور که در فیلم، رحمت به بقیه می‌گوید خروج بی‌سر و صدا نیست؛ به یاد داشته باشیم که برای خروج از سلطه پادشاهی تاریکی و بی‌عدالتی، دشمن دست به هر کاری می‌زند تا ما را از این مسیر منحرف کند و به جای اول خود بازگرداند و یا حتی با نشان دادن آدرس‌های اشتباه، گمراه کننده و گاهی با وعده‌های زیبا در ظاهر ولی در حقیقت پوچ و بی‌معنی، ما را از مسیر خارج کند ولی به یاد داشته باشیم که این خروج ارزشش را دارد؛ ارزشی به معنای واقعی. پس نیاز دارد تا به انتها در ریل و مسیر اصلی بمانیم و ایستادگی کنیم.

شما را تشویق می‌کنیم که این فیلم زیبا را با این نگاه در مشارکت تماشا کرده و برکات و نقطه نظرات خود را با ما در میان بگذارید.

نام فیلم: خروج

تیم جوانان اسمیرنا



فیلم «خروج» به نویسندگی و کارگردانی «ابراهیم حاتمی کیلا» در سال ۱۳۹۸ ساخته شد و در سال ۱۳۹۹ به صورت آنلاین به اکران درآمد. برای شکل‌گیری این اثر زیبا بازیگرانی چون «فرامرز قریبیان»، پانته آ پناهی‌ها، گیتی قاسمی و محمدرضا شرفی‌نیا» به نقش آفرینی پرداخته‌اند.

خلاصه فیلم

فیلم خروج داستان کشاورزان روستایی را به تصویر کشیده است که آب سد شور در زمین‌های کشاورزی آنها تخلیه گردیده و باعث تخریب زمین‌هایشان شده است. آنها پس از آنکه از طریق مسئولین روستا و بخشدار و دیگران به نتیجه‌ای نمی‌رسند تصمیم به دیدار بارئیس جمهور می‌گیرند و با تظاهرات خود راهی پایتخت می‌شوند که در این مسیر...

نویسنده و کارگردان
ابراهیم حاتمی‌کیلا

نگاهی به

بازار سینمایی





با سلام خدمت خوانندگان این بخش از مجله اسمیرنا؛ در این شماره بر آن هستیم تا کتابی شگفت انگیز در راستای رشد روحانی در قدم‌های فرزندی را با عنوان کتاب انضباط روحانی به شما معرفی کنیم تا با مطالعه آن در مسیر فرزندی در نظم خداوند حرکت کرده و هر چه بیشتر به شباهت الگوی مان عیسی مسیح در آییم.

هدف انضباط‌های روحانی تبدیل کامل فرد است تا که عادات فکری مخرب پیشین جای خود را به عادات حیات‌بخش نوین بدهند.

انضباط‌های روحانی سلسله کارهایی سخت و یکنواخت که دزد شادی هستند نمی‌باشند، بلکه برعکس، شادمانی موضوع اصلی همه انضباط‌هاست. تلاش انسانی کافی نیست و پارسایی هدیه خدا است لیکن آنچه نادرست است نتیجه‌گیری ماست، زیرا خوشبختانه کاری هست که ما باید به سهم خود انجام دهیم. نباید بر سر دوراهی با تلاش‌های انسانی یا تبلی و بطالت گیر کنیم؛ انضباط‌های روحانی واقعیت‌های روحانی و درونی هستند. در واقع نگرش قلبی و درونی انسان بسیار مهم‌تر و حیاتی‌تر از فنون دستیابی به واقعیت‌های زندگی روحانی است. پارسایی هدیه خداست اما این بدین معنا نیست که تلاشی نباید انجام دهیم، بلکه باید با انضباط‌های روحانی خود را در معرض عمل خدا قرار دهیم تا او بتواند ما را متحول سازد.

اگر می‌خواهیم در سلوک روحانی‌مان رشد کنیم چنانکه انضباط‌های روحانی مایه برکت باشند نه لعنت؛ باید به جایی برسیم که بار همیشگی احساس نیاز برای مدیریت کردن بر دیگران را زمین بگذاریم. اما وقتی باور کنیم تحول درونی کار خداست نه کار ما آن وقت می‌توانیم از تلاش برای اصلاح دیگران دست برداریم!

در این کتاب سرفصل‌های زیر را می‌خوانیم:

«دری به سوی آزادی، انضباط در تعمق، دعا، روزه، مطالعه، ساده زیستی، سکوت، خدمت کردن، تسلیم، اعتراف، پرستش، هدایت و جشن و سرور.»



انضباط تعمق

تعمق مسیحی توانایی شنیدن از خدا و اطاعت از کلام اوست. همچنین درک معنای حقیقی تعمق در میان کج فهمی‌های زمان حاضر بسیار لازم است؛ چرا که تعمق در بین عموم مردم به عنوان مدیتیشن رایج شده است. در حالیکه در مدیتیشن ذهن را خالی می‌سازند اما تعمق مسیحی تلاشی است برای پر ساختن آن؛ آری تنها گسستن از دنیا کافی نیست بلکه پیوستن به خداوند و تسلیم شدن به او نیز امریست ضروری.

ما فرا گرفته‌ایم که تنها حرف بزیم و شنیدن صدای خدا بیشتر شبیه به یک توهم است، پس برای باور کردن حقیقت شنیدن صدای خدا نیازمند این هستیم تا باضعفی که در فرهنگ‌مان است روبرو شویم و باورهای اشتباه‌مان را دور بریزیم. باید مطابق افکار الهی بیندیشیم، از خدا لذت ببریم و مشتاق حقیقت و طریق‌های او باشیم و هر چه بیشتر در این طریق سلوک کنیم. خدا نیز بیشتر قوه تخیل ما را برای مقاصد نیکو به کار می‌گیرد.

در تعمق و جدا کردن زمان و مکان برای آن، باید به یاد داشته باشیم که به اسم تعمق کردن در دام اعمال مذهبی در زمان خاص نیفتیم. آنگاه تعمق کردن، تمام زندگی ما را در بر می‌گیرد.

انضباط دعا

دعا ما را به خط مقدم زندگی روحانی پرتاب می‌کند و دعا مهمترین انضباط روحانیست، زیرا ما را به مصاحبتی دائمی با پدر آسمانی‌مان هدایت می‌کند؛ دعا برترین شیوه برای تغییر ماست. دعا و عمل، زوجی جدایی ناپذیر هستند.

انضباط روزه

در انضباط روزه اگر چه جنبه‌های جسمانی روزه توجه ما را به خود جلب می‌کند ولی هرگز نباید از یاد ببریم که عملکرد اصلی روزه مبتنی بر کتاب مقدس در حیطه روح است. روزه یکی از ابزار انتقال فیض و برکت خداست و نباید مورد غفلت واقع شود. روزه نیز باید خدا محور باشد و هدف‌مان جلال یافتن پدر آسمانی باشد.

آیا خدا محور هستیم؟ واقعیت این است که ما در جامعه ایرانی به شدت در این خصوص نیاز به تأمل و رهایی داریم. نداشتن امنیت ما را به این واداشته تا به حس احتیاط و دوراندیشی، بیشتر از پادشاهی خدا اهمیت دهیم. آزمندی را بلند همتی، احتکار را دوراندیشی و حرص و طمع را سخت کوشی می‌نامیم. آری، نیاز به امنیت ما را به سمت شهوت در مال و منال و مقام پیش می‌برد.

انضباط ساده زیستن

آری ما نمی‌توانیم هم بنده پول باشیم و هم بنده خدا؛ هر کجا گنج ماست، دل ما نیز آنجا خواهد بود. ساده زیستن ما را قادر می‌سازد موهبت‌های الهی را همچون هدایایی بپذیریم که از آن ما نیستند، بلکه از آن خداوند است و این ما را به سمت بخشش هدایت می‌کند.

نقطه تمرکز ساده زیستن آن است که در پی پادشاهی خدا و انجام اراده او باشیم، آنگاه نیازهایمان به ترتیب صحیح پاسخ داده خواهد شد.

در این قسمت به جایی می‌رسیم که نیاز به تأمل در سپردن داریم و برای آزادی از نگرانی نویسنده سه نکته را مورد بررسی قرار می‌دهد:

۱- به این باور داشته باشیم که منبع مالی، گنج و دارایی‌مان به خداوند تعلق دارد.

۲- خدا قادر است از آن حفاظت و مراقبت کند پس به او اعتماد کنیم.

۳- دارایی‌مان را برای کمک به دیگران به کار بگیریم.

ساده زیستن یعنی آزادی در اعتماد کردن در همه چیز به خدا؛ در انتهای این مبحث به ده اصل کنترل‌کننده برای روشن ساختن معنای ساده زیستن اشاره شده است. ده تمرینی که برای ساده زیستن به ما کمک می‌کند در نظر داشته باشیم اولویت‌مان طلبیدن پادشاهی خدا و انجام اراده او باشد.

انضباط سکوت

در فصل انضباط سکوت و خلوت کردن، نویسنده ما را دعوت می‌کند تا قدم‌های عیسی را در کلام دنبال کنیم؛ اینکه عیسی دائم در پی این خلوت‌ها بود، خلوتی که نه به خاطر گریختن از مردم، بلکه به منظور بهتر شنیدن نجوای الهی است.

سکوت یکی از عمیق‌ترین انضباط‌های روح‌القدس است، زیرا هرگونه گرایش به توجیه کردن را در ما متوقف می‌سازد و ثمره آن اعتماد به خداست تا او از حقانیت ما دفاع کند.

انضباط خدمت

انضباط درونی گونه‌ای انضباط در تسلیم و خدمت است که هر دو

از اهمیت بسزایی برخوردار است. تسلیم شدن ما را قادر می‌سازد از یوغ خودکامگی رها شویم.

در تسلیم شدن می‌توانیم با آزادی کامل برای دیگران ارزش قائل شویم و رویاها و نقشه‌هایشان برای ما اهمیت می‌یابد.

در انضباط خدمت (حوله به کمر بستن) آزادی‌های بسیاری نهفته است؛ خدمت به ما قدرت می‌دهد تا به بازی‌های دنیوی ترفیع درجه و اقتدار طلبی، «نه» بگوییم و اشتیاق به سلسله مراتب در ما از بین می‌رود. آری اقتدار روحانی مد نظر عیسی در مقام، منصب و عنوان نیست، بلکه در حوله‌ای است که در خدمت به کمر بسته‌ایم. آری همانطور که خدمت کردن ثمره دریافت نجات است، ثمره خدمت هم در فرزندی عمل کردن می‌باشد.

انضباط اعتراف

انضباط اعتراف بدون صلیب تنها اثر درمانی روانشناسی دارد در صورتی که بسیار فراتر از اینهاست و مستلزم تغییر عینی در رابطه ما با خدا و تغییر ذهنی در خود ماست. صلیب واسطه شفا و متحول کننده روح و درون آدمی است.

چه موهبت عظیم و چه خدمت حیات بخشی داریم که می‌توانیم اعتراف به گناه را بشنویم و در نام مسیح آن را ببخشیم و در واقع یادآور خون و بهای پرداخت شده آن توسط عیسی مسیح شویم.

انضباط اعتراف، به ظاهرسازی خاتمه می‌دهد. دعوت خدا از کلیسا این است که با آزادی کامل به انسانیت خطاپذیر خویش اعتراف کند و فیض آمرزنده و نیرو بخش مسیح را بشناسد. صداقت به اعتراف می‌انجامد و اعتراف تحول پدید می‌آورد.

انضباط پرستش

پرستش یعنی شناختن، حس کردن و تجربه کردن مسیح قیام کرده در میان جماعت ایمانداران، یعنی وارد شدن به جلال خدا. پرستش پاسخ انسان است به گامی که خدا نخست برداشته؛ پرستش ما پاسخی است به محبتی که از قلب پدر سرچشمه می‌گیرد و ریشه آن در روح و راستی است.

رهبر پرستش عیسی مسیح است و اوست که همه چیز را کنترل می‌کند. در پرستش دست جمعی می‌توانیم با حضور کمی زودتر از شروع مراسم و دعا کردن برای اعضای کلیسا پرستشی ژرف را تجربه کنیم. ایمان دارم که باعث تحول عمیقی در شناخت خدا در زندگیتان خواهد شد.

آنچه با شما به اشتراک گذاشتیم قسمت کوچکی از این کتاب پر محتواست آمین که تشویقی برای خواندن کامل آن برای شما عزیزان باشد.





کلیسا در جفا

ادعا کنیم تا

در سختی ها قرار بگیریم

«ریچارد رومبراند» به عنوان یک شبان در رومانی که یک کشور کمونیستی محسوب می‌شد، زندگی کاملاً راحتی داشت و حقوقی که می‌گرفت به اندازه کافی او و خانواده‌اش را ساپورت می‌کرد و تقریباً هیچ مشکلی نداشت.

اما وقتی او دید که ایمانداران دیگر در کشورهای دیکتاتور چطور به خاطر ایمانشان رنج می‌کشند و دولت مستبدشان چطور عرصه را بر آنها تنگ می‌کند، دیگر احساس آرامش نمی‌کرد و مرتب از خودش سوال می‌کرد که چرا خداوند او را در شرایط دشوار قرار نداده؟ بنابراین او و همسرش «ساینا» مشتاقانه دعا کردند که خداوند آنها را در شرایطی قرار بدهد که به پیروی از عیسی، صلیبشان را خودشان حمل کنند، به عبارتی دیگر دعا کردند که خداوند آنها را نیز در شرایط سخت قرار دهد.

در بیست و نهم فوریه سال ۱۹۸۴ دعای آنها پاسخ داده شد. یک روز سرد زمستانی وقتی ریچارد وارد کلیسا در شهر «بخارست» شد توسط مامور مخفی پلیس ربوده شد و در آن زمان نه تنها زندگی راحت او بلکه هویش هم به طور کامل از او سلب شد. به او گفتند: «از حالا به بعد اسم تو «واسیل جورجیو» هست و برای پنهان ماندن هویت دیگر با همین اسم زندگی خواهی کرد.»

او بدون اینکه کوچکترین ردی از خودش به جا بگذارد ناپدید شد و ساینه هم هیچ توجیهی در برابر شایعات عجیب و غریبی که در مورد همسرش می‌شنید نداشت. یکی می‌گفت: «او را ربوده و به «روسیه» بردند»، دیگری می‌گفت: «او در زیر شکنجه مرده است...»

اگرچه ساینه در مورد اینکه همسرش کجاست و اینکه اصلاً زنده هست یا نه، غرق نگرانی بود ولی همچنان در خدمت، به امور کلیسا و نیازهای دیگران رسیدگی می‌کرد.

این روزها خیلی زوج‌های دیگر مانند ریچارد و ساینه هستند که در شرایط مشابه (سخت) زندگی می‌کنند، و برای پیشبرد ملکوت خدا در کشورهای کمونیستی حاضر شدند صلیبشان را خودشان حمل کنند. اگر چه ممکن است آنها خودشان برای قرار گرفتن در سختی‌ها دعا نکرده باشند ولی به خوبی از بهایی که باید در این مسیر پرداخت کنند آگاه هستند.

«ریموند» و «سوزانا» در «مالزی»، «گیانگ» و «می» در «ویتنام» و «آرجون» و «ارادا» در «هند» با خواست و اراده قلبی خود صلیب خود را حمل می‌کنند و همچون ساینه معتقدند با اینکه انجام دادن کار خدا خطراتی به همراه دارد اما انجام ندادن اراده او به مراتب خطرناک‌تر است.

ریموند و سوزانا

یک شاهد عینی می‌گفت صحنه‌ای که رویت کرده دقیقاً مانند فیلم‌های اکشن بوده است. سیزدهم فوریه سال ۲۰۱۷ سه ماشین شاسی بلند مشکی، ماشین شبانی به نام «ریموند» را محاصره و او را مجبور کردند که کنار جاده متوقف بشود، تعدادی مرد سیاه پوش از ماشین‌ها پیاده شدند و ریموند را گرفتند و به زور وارد ماشین دیگری کردند و چند نفر موتور سوار هم با آنها بودند که نمی‌گذاشتند ماشین‌های دیگر به آنها نزدیک شوند.

آنها در عرض چهل ثانیه ریموند را گرفتند و بردند

و تا به اکنون کوچکترین خبری از او شنیده نشده است. «سوزانا» مطمئن بود که ربوده شدن همسرش در واقع به نحوی مرتبط است با درگیری سال ۲۰۱۱ که با اسلامگراهای تندرو داشتند. شبی که او به همراه همسرش در مراسمی میزبان عده‌ای بودند تا برای سازمان تازه تأسیس خود حمایت مالی کسب کنند تا بتوانند با کمک آنها به دیگر مسلمانان بشارت انجیل را بدهند. گردهمایی با چنین موضوعی در مالزی غیر قانونی بود و به همین دلیل گروهی از مسلمانان در آن شب به آنها حمله‌ور شدند، در میان مهمانان آن شب عده دیگری نیز حضور داشتند، مسلمانانی که برای تشکر و قدردانی از حامیان که از فقرا، مادران تنها، بچه‌ها، معتادان و بیماران لاعلاج مانند ایدز حمایت می‌کردند. در آن شب به خصوص، صد و بیست نفر با فرهنگ‌های متفاوت در میهمانی حضور داشتند.

هنگام درگیری، مسلمانان افراطی موفق شدند تعدادی عکس و فیلم از کسانی که در آنجا حضور داشتند تهیه کنند.

به گفته سوزانا «بعد از وقایع آن شب بود که اتفاق پشت اتفاق پیش می‌آمد و من و همسرم گاهی نامه‌های تهدید آمیز دریافت می‌کردیم و یا تهدید به مرگ می‌شدیم. حتی یک بار به همراه نامه، بسته‌ای حاوی پودر سفید آلوده به سیاه زخم برای ما فرستادند. یکبار نیز همسرم بسته‌ای حاوی تعدادی گلوله دریافت کرد و یک نامه که در آن نوشته شده بود: «خودت و همسرت را خواهیم کشت.» با وجود همه آن ترس‌ها و نگرانی‌ها همسرم دل‌سرد نمی‌شد و ایمان داشت که خدا او را برای ماموریت بزرگ فراخوانده ماموریتی که تنها به یک ملت، قبیله و یا زبان محدود نمی‌شد.

«مدتی از آن تهدیدها گذشت و ما بدون هیچ مشکل فیزیکی یا مسئله‌ای به فعالیت خود ادامه دادیم، تا اینکه آن

اتفاق در سال ۲۰۱۷ برای همسرم روی داد و همه ما را شوکه کرد.» وقتی سوزانا برای پیگیری ناپدید شدن همسرش به اداره پلیس مراجعه کرد با رفتار عجیب پلیس روبرو شد. پلیس به جای سوال کردن در مورد هویت شخص ناپدید شده و خانواده قربانی، مرتب در مورد فعالیت‌هایشان از او بازجویی می‌کرد به خصوص در مورد تشویق مسلمانان از دینی به دین دیگر. بازجویی تا ساعت سه صبح همچنان ادامه داشت تا اینکه سوزانا صبرش تمام شد و به بازپرس گفت که من دیگر حتی کلمه‌ای به شما جواب نخواهم داد، من این حق را دارم که همین حالا از اینجا بیرون بروم و به دنبال همسرم بگردم و مهمترین وظیفه شما هم اینست که به دنبال سرنخی برای پیدا کردن همسرم باشید.

سوزانا ایمان داشت که خداوند از پیش، همسرش را برای این سختی آماده کرده بود، او گفت که همسرش اخیراً صبح‌ها قبل از خروج از منزل به مدت سه ساعت قدم می‌زد و دعا می‌کرد و بخش‌هایی طولانی از کتاب مقدس را به خاطر می‌سپرده. او اشاره می‌کند: «یادم هست بهم گفت که به تازگی «اول قرنتیان باب پانزده» را حفظ کرده است. خدا نه تنها همسرم را از لحاظ روحانی بلکه از لحاظ جسمانی نیز او را برای این شرایط آماده ساخته بود زیرا او در این اواخر به مدت طولانی فوتبال بازی می‌کرد و عضو لیگ باشگاه جوانان شده بود.»

با وجود اینکه سوزانا ایمان دارد که همسرش ریموند در دستان محافظ خداوند است ولی همچنان برای نبود همسرش بیقرار است و سختترین قسمت آن بی‌خبری از ریموند هست، اینکه او الان کجاست و چه کار می‌کند؟



کیش ریموند (مركز تصویر) در فوریه ۲۰۱۷ ربوده شد. همسرش ، سوزانا (دومین نفر از سمت راست) ، و فرزندانش از آن زمان دیگر خبری از او ندارند.





گیانگ و مای (ویتنام)

تقریباً هیچکس با ازدواج «مای» با شبانی به نام «گیانگ» موافق نبود. مای در یک مدرسه دولتی، متعلق به حزب کمونیست‌ها کار می‌کرد و به گفته مای «برادر بزرگش هم یک پلیس عالی رتبه در شهرشان بود و دو برادر کوچکترش نیز پلیس معمولی بودند و من را از ازدواج با گیانگ منع می‌کردند.»

علیرغم تمام مخالفت‌های خانواده و دوستانش و عواقبی که به دنبال این ازدواج بود، مای انتخاب کرد که با او ازدواج کند. وقتی که مدیر مدرسه متوجه ازدواج مای با یک مسیحی شد و فهمید که خود مای نیز مسیحی شده است او را از کارش اخراج کرد. در ابتدا مای خیلی نگران این بود که شاید نتواند به راحتی شغلی جدید پیدا کند ولی گیانگ که این شرایط را قبلاً گذرانده بود با او دعا کرد و به او اطمینان داد که نگرانی‌هایش را به خدا بسپارد و مای خیلی زود فهمید که دلش می‌خواهد در کنار همسرش خدمت کند.

با تجربه‌ای که مای در تعلیم و تربیت داشت و گیانگ در خدمت، آنها آموزش زبان ویتنامی را در یک روستای کوچک بین بچه‌های رده سنی شش تا هفده سال شروع کردند.

البته مخالفت خانواده رادا با ازدواج آنها بیشتر به خاطر مسائل و مشکلاتی بود که سر راه آرجون قرار داشت و طبیعتاً آنها نگران زندگی دخترشان بودند که در آینده در چه شرایطی زندگی خواهد کرد.

اما آنها با وجود تمام این نگرانی‌ها، به دلیل اصرار رادا به ازدواجشان رضایت دادند. بعد از ازدواج، رادا و آرجون تصمیم گرفتند که پیام انجیل را به سی و چهار روستا برسانند و در آنجا کلیساهایی نیز دایر کنند. این حرکت آنها برای همه خوشایند نبود؛ به خصوص هندوهای افراطی که به تعدادی از این کلیساهای تازه تاسیس شده حمله کردند و واعظ کلیسا و تعدادی از اعضای کلیسا از جمله زنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

از آنجایی که آرجون می‌دانست که آزار و اذیت قسمتی از زندگی مسیحی هست اعضای کلیسایی که در آن خدمت می‌کرد را نسبت به این موضوع آگاه ساخت تا با حمله ناگهانی مخالفان غافلگیر نشوند. او به آزار و اذیت‌هایی که در کتاب مقدس آمده است اشاره کرد، به «دانیال» و «عیسی و شاگردانش» که چطور مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند.

بنابراین اعضای کلیسایی که او خدمتشان می‌کند واهمه‌ای از این آزار و اذیت‌ها ندارند و در واقع آن را قسمتی از زندگی مسیحی خود می‌دانند.

یک روز صبح که آرجون و اعضای کلیسا در حال پرستش بودند، مخالفان که حدود بیست و پنج نفر بودند به آنجا حمله کرده و آرجون را به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند. اعضای کلیسا هم هر چقدر تلاش کردند نتوانستند آرجون را از زیر دست ضاربان نجات دهند تا اینکه با مداخله پلیس، ضاربان رفتند و آرجون به بیمارستان منتقل شد. وقتی صاحبخانه آرجون، این خبر را شنید، خانواده وی را از آنجا بیرون کرد. آرجون درحالیکه به شدت مجروح شده بود به دنبال خانه‌ای جدید می‌گشت ولی کسی حاضر نبود به آنها خانه اجاره بدهد.

«وقتی ما این خبر را شنیدیم برای آنها دعا کردیم و کمک کردیم تا در مکانی دور ولی امن خانه‌ای فراهم کنند، ولی بعد آرجون با ما تماس گرفت و از ما خواست تا برای کلیسایی که می‌خواستند برپا کنند دعا کنیم، او گفت که اصلاً به این فکر نمی‌کنیم که ممکن است چه اتفاقاتی برای ما پیش بیاید چرا که زندگی ابدی ما در مسیح ادامه دارد و این هدفیست که ما خود پذیرفتیم که برای رسیدن به آن این مسیر را طی کنیم.»



آرجون و رادا (هند)

شبانی به نام «آرجون» هندوئیستی بود که قلب خود را به مسیح داده بود و زمانی که از «رادا» خواستگاری کرد اول مطمئن شد که او می‌داند قرار است با چه کسی و تحت چه شرایطی زندگی کند.

او به رادا گفت: «بین من یک شبان هستم و بارها و بارها مورد حمله قرار گرفتم پس تو هم در خطر خواهی بود و به تو نیز حمله خواهد شد، ممکن است به زندان بروم. گاهی اوضاع مادی خوب است و گاهی هم ممکن است حتی غذا برای خوردن نداشته باشیم، این شرایطی است که ممکنه در زندگی با من در آینده داشته باشی...»

رادا بدون وقفه پیشنهاد ازدواج او را پذیرفت، پیشنهادی بین مرگ و زندگی؛ رادا گفت: «من می‌پذیرم که برای مسیح زندگی کنم.»

از آن روز به بعد آنها سه بار به اجبار نقل مکان کردند، آرجون چندین بار مورد ضرب و شتم قرار گرفت و رادا هم به شخصه چندین بار تهدید شده بود.

زمانیکه پدر و مادر رادا در حال مهیا کردن شرایط بودند تا او بعد از اتمام تحصیلاتش با شخص دیگری ازدواج کند، رادا برای انتخاب خودش ایستادگی کرد و به آنها گفت که «من به غیر از آرجون با هیچکس دیگر ازدواج نخواهم کرد.» رادا خیلی مشتاق بود تا در یک کلیسا خدمت کند و ازدواج با آرجون این فرصت را نیز برای او فراهم می‌کرد، رادا گفت که این همیشه برای من یک بار سنگین بوده است.

سوزانا می‌گوید: «فرزندانم از لحاظ روحی و جسمی آسیب دیده‌اند و پیش مشاور می‌روند ولی با تمام این مشکلات من برای ایماندارانی که در کنار من و فرزندانم ایستاده‌اند شکرگزاری می‌کنم؛ آنها ما را تشویق می‌کنند و با دعاها، هدایا و کارت پستال‌ها خانواده ما را حمایت می‌کنند، وجود تک تک آنها باعث دلگرمی ماست.»

«یادم می‌آید در سه هفته اول بعد از آن اتفاق من خیلی ترسیده بودم و تقریباً خودم را باخته بودم و تصمیم گرفتم که سکوت کنم و در سکوت بودم که خداوند با من سخن گفت و به من کمک کرد تا در سختی‌ها نگاهم را فقط بر او متمرکز کنم. خداوند از طریق «زمور باب ۴۶ آیه ۱۰» به من گفت: «باز ایستید و بدانید که من خداوند هستم.» فهمیدم که نیازی نیست من تلاش و یا مبارزه کنم، دریافتم که باید بایستم و به او اعتماد کنم چون می‌دانم که او هرگز من و خانواده مرا تنها نخواهد گذاشت و برای کسانی که او را دوست می‌دارند همه چیز با هم برای خیریت آنها در کار است.»

سوزانا همچنان که برای رهایی همسرش دعا می‌کند، برای بخشش کسانی که در ربودن همسرش دست دارند نیز دعا می‌کند.

او می‌گوید: «من از همان ابتدا از خدا خواستم که آنها را ببخشد چون آنها نمی‌دانند که چه می‌کنند و از خداوند خواستم تا با آنها ملاقات کند چون چشیدن، لمس کردن و تولدی تازه برای همه هست نه مختص به عده‌ای خاص.»



اورلیو و همسرش روت در آمریکای لاتین در حال خدمت به مسیحیان تحت آزار و شکنجه هستند. روت به اسکان مجدد آوارگان کمک می‌کند و غذا و اسباب راحتی را با کمک اورلیو فراهم می‌کند.



را حمل کنیم. صلیب ممکن است به شکل یک خانواده غیر مسیحی در مسیر ما قرار بگیرد، همسری که مایل نیست مسیح را بپذیرد، بیماری لاعلاج و یا از دست دادن شغل و... همه و همه می‌تواند به نوعی صلیب باشند تا ما آن را حمل کنیم و شهادت‌های برادران و خواهرانمان که این صلیب‌ها را به دوش می‌کشند می‌تواند برای ما تشویق کننده و بنا کننده باشند.

نباید فراموش کنیم که خدا در تمامی این شرایط در کنار ما و با ماست و از ما می‌خواهد تا برای رسیدن به هدف نهایی صلیبمان را حمل کنیم. مانند رادا و آرجون و مای و گیانگ می‌توانیم خواست خداوند را در زندگی و مسیرمان طلب کنیم.

برگرفته شده از مجله ندای شهدا

تیم ویراستاری و ترجمه اسمیرنا

اعتراف کرد که خبرچین پلیس بوده و حتی اعضای جماعت خودشان را هم از ترس اینکه مبادا به زندان برود لو می‌داده است.

خانواده‌های مسیحی که به خاطر خبرچینی این شخص اعضای از خانواده خود را از دست داده بودند می‌گفتند که چطور توسط پلیس تهدید می‌شدند و یا مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتند.

ریچارد و ساینه دریافتند که در شرایطی که کلیساها و مسیحیان مورد هجوم قرار می‌گیرند وقت خوبی برای گوشه‌نشینی و زندگی‌ای مسیحی نیست. آنها تصمیم گرفتند که با قدرت بیشتری به بشارت انجیل بپردازند و کلیساهای بیشتری بنا کنند.

آنها اینبار تصمیم گرفتند که صلیبشان را با قدرتی خستگی ناپذیر به دوش بکشند، زیرا معتقد بودند که **ما عضوی از بدن مسیح هستیم و خواننده شدیم تا برای گسترش ملکوت خداوند صلیبمان**

ریچارد و ساینه، جهان را گشتند و شهادتشان را در مورد آزار و شکنجه در کمونیست رومانی با همه به اشتراک گذاشتند و مسیحیان در کشورهای آزاد را تشویق کردند تا کنار برادران و خواهران در مسیحی که تحت آزار و اذیت هستند بایستند. داستان آنها ادامه دارد و الهام بخش مسیحیان امروز در سراسر جهان است.



بچه‌ها در یک ساعت مشخص در خانه‌ای نه چندان تمیز و بدون برق روی زمین می‌نشستند و خواندن و نوشتن می‌آموختند. پس از مدتی آنها شروع به صحبت کردن در مورد انجیل با شاگردان کردند. هر چند می‌دانستند که در منطقه کمونیستی این کار ریسک بالایی دارد درحالیکه پدران بعضی از شاگردان نیز پلیس بودند.

آنها با خود گفتند: «ما نمی‌ترسیم و به کار خود ادامه می‌دهیم.» به تعداد شاگردان همچنان اضافه می‌شد طوری که آنها مجبور شدند کلاس‌ها را به دو قسمت تقسیم کنند.

در سال ۲۰۱۵ آنها عده‌ای از شاگردان را که بالغ بودند تعلیم می‌دادند و آنها را تشویق می‌کردند که به اطراف رفته و انجیل را با دیگران به اشتراک بگذارند.

یک بار وقتی عده‌ای از شاگردان برای بشارت به روستایی که رهبرشان کمونیست بود رفتند، رئیس روستا به آنها اخطار داد که دیگر در آنجا بشارت ندهند و شاگردان این موضوع را با گیانگ در میان گذاشتند و از او راهنمایی خواستند.



مای (در سمت چپ) پس از ازدواج با گیانگ شغل خود را به عنوان معاون مدرسه از دست داد و مسیحی شد. اکنون او و شوهرش دیگران را در سراسر ویتنام برای پیشبرد پادشاهی خدا تربیت می‌کنند.

گیانگ از آنها پرسید که آیا قبل از ورود به آن منطقه دعا کردید؟ و شاگردان جواب دادند که بله دعا کردیم و در آن لحظه گیانگ احساس آرامش کرد بعد به شاگردان گفت: «از این به بعد مثل همیشه قبل از ورود به مکانی که قرار است در آنجا بشارت دهید دعا کنید و اگر احساس آرامش کردید پیش بروید در غیر اینصورت از رفتن به

آنجا منصرف شوید.» شاگردان که تعدادشان روز به روز بیشتر می‌شد توانستند به دویست روستا پیام انجیل را برسانند.

صلیبی جدید برای حمل کردن

وقتی که ریچارد رومبراند از زندان آزاد شد همسرش ساینه از او در مورد برنامه‌اش در آینده پرسید. ریچارد گفت که قصد دارد که به یک زندگی روحانی دور از حاشیه ادامه بدهد و ساینه گفت که او نیز به همین قضیه فکر می‌کرده. گذراندن سال‌ها در زندان انفرادی با امید اندک به آزادی، ریچارد را از جوانی پرشور و انرژی به مردی جا افتاده و قابل تأمل تبدیل کرده بود.

ریچارد می‌گفت: «در طی شکنجه تصمیم گرفتیم که که دیگر به هیچ جنگی فکر نکنیم، هیچ جنگی و تمام توان و تمرکز را فقط برای بنا کردن معبد مسیح بگذارم و این تمام آن رویایی بود که شکنجه‌ها را تحمل می‌کردم تا از زندان رهایی پیدا کنیم.»

بعد از آزادی، مدتی نگذشت که او با یک کمونیست روبرو شد، کمونیستی که شخصیتش حتی کریه‌تر از شکنجه‌گران زندان بود. او با کمال تأسف و شرمساری

گیانگ و مای به کودکان روستا یاد می‌دهند که چگونه ویتنامی صحبت کنند و بنویسند و تدریجاً به آنها انجیل را معرفی می‌کنند.



سبک زندگی



ویتامین‌ها

بدن ما همانند ماشینی است که برای فعالیت نیاز به سوخت و انرژی دارد، با این تفاوت که بدن انسان زنده است و به غذای زنده و تازه نیاز دارد. نقش ویتامین‌ها در بدن ما دقیقاً مانند سوخت است تا بدن بتواند برای فعالیت از آن بهره گیرد. ویتامین‌ها در تأمین سوخت و ساز، انرژی، رشد و نمو بدن تأثیر بسزایی داشته و برای حفظ سلامتی و تعادل جسم ما ضروری و حیاتی است. نبود و یا کمبود یک ویتامین در بدن می‌تواند مشکل ساز شود و زمینه ابتلا به بیماری را فراهم سازد. هرگاه صحبت از ویتامین‌ها می‌شود تمام آنچه در ذهن ما نقش می‌بندد مکمل‌های دارویی است با نماد، مارک و برند شرکت‌های مختلف اما آنچه بدن ما به آن احتیاج دارد را خداوند در این زمین خاکی برای ما مهیا کرده تا تمام مایحتاج بدن خود را از غذای تازه و سالم دریافت کنیم.

ویتامین چیست؟

ویتامین‌ها ترکیباتی آلی و بلوک‌های سازنده بدن هستند که برای سوخت و ساز، متابولیسم بدن، انجام فعالیت حیاتی، پرورش، تندرستی و رشد ساختار بدنی ضرورت دارند. «Vitalamine» از دو واژه «ویتا» به معنی «زندگی» و «آمین» به معنی «ماده حاوی نیتروژن» تشکیل شده است. تحقیقات نشان داد که بسیاری از ویتامین‌ها فاقد نیتروژن هستند؛ در نتیجه، حرف «e» از آخر این واژه حذف و به واژه «Vitamin» پذیرفته شد که هر یک در بدن ما عملکرد مخصوص خود را دارد؛ بعضی از آنها باعث جذب مواد غذایی در روده می‌شوند، بعضی از آنها به تسريع واکنش‌های شیمیایی کمک می‌کنند و بعضی بر بافت‌پوششی و استخوان تأثیر گذارند. این مواد در ترکیبات طبیعی و ارگانیک یافت می‌شوند.

انواع ویتامین‌ها

- 1- ویتامین‌های محلول در آب.
- 2- ویتامین‌های محلول در چربی.

ویتامین‌های محلول در آب: آن دسته از ویتامین‌هایی هستند که در فرایند متابولیسم سلولی نقش داشته و روزانه باید آن را دریافت کرد، مانند: «ویتامین C و گروه ویتامین B» به دلیل حلال بودن در آب مقدار ذخیره آن در بدن کم و مازاد مصرف روزانه آن توسط کلیه دفع می‌شود.

ویتامین‌های محلول در چربی: این دسته از ویتامین‌ها شامل «E-K-A-D» می‌باشند که به خاطر حلال در چربی بودن مازاد مصرف آن در کبد ذخیره و مقدار مصرف آن کمتر است.

اهمیت ویتامین‌ها

امروزه کمتر مصرف کردن مواد غذایی سالم و تازه، رژیم‌های غذایی ناسالم و شیوه و سبک زندگی ما باعث آسیب جسم، فقدان و یا کمبود یک یا چند ویتامین در بدن ما شده است مطالعات نشان می‌دهد که تمامی موجودات زنده به مواد مغذی نیاز دارند بنابراین توجه به نوع تغذیه و تأمین نیاز بدن از مواردی هست که همه افراد باید به آن توجه داشته باشند. شایان به ذکر است که میزان نیاز ویتامین هر شخص به عواملی مانند: سن، وزن و فعالیت روزانه وی بستگی دارد. از جمله تأثیرات کمبود ویتامین می‌توان به سیستم ایمنی ضعیف، خستگی و بی‌حالی، ضعف عصبی و اسپاسم عضلانی، خشکی پوست و ضعف در بینایی و ... اشاره کرد. ویتامین‌ها زنجیره‌های به هم متصل‌اند و روی عملکرد هم تأثیر می‌گذارند مثل آهن که برای جذب بهتر، مصرف آن با ویتامین B12 توصیه می‌شود.

عملکرد ویتامین‌ها

● **ویتامین D:** از مهم‌ترین ترکیباتی است که همه افراد برای داشتن استخوان و دندان سالم به آن نیاز دارند. این ویتامین جذب کلسیم را در بدن بالا می‌برد و از بروز انواع فلج، روماتیسم مفاصل و سرطان‌های مختلف جلوگیری می‌کند؛ همچنین علائم پیش قاعدگی را کاهش می‌دهد. ویتامین D در مواد غذایی چون غلات و برخی سبزیجات، زرده تخم مرغ، خامه، ماهی ساردین، کره و همچنین نور آفتاب به مقدار زیادی یافت می‌شود.

● **ویتامین گروه B:** این ویتامین شامل (تیامین، ریبوفلاوین،



نیاسین، پانتوتیک اسید، پیریدوکسین، بیوتین، فولیک اسید، کوبالامین، کولین، اینوزیتول) و از مهم‌ترین مواد مغذی مورد نیاز بدن است. این ویتامین در عملکرد صحیح سیستم ایمنی و عصبی نقش بسزایی دارد؛ همچنین برای سلامت پوست، اعصاب و ماهیچه ضروری بوده و باعث کاهش استرس و افسردگی، مانع خستگی، ضعف بدنی، فشار خون پایین و احساس مورمور شدن بدن می‌شود. از اثرات کمبود این ویتامین می‌توان به کم اشتها، عفونت، یبوست و تحلیل رفتن بافت عضلانی اشاره کرد. در

مواد غذایی چون لبنیات، گوشت، غلات

کامل و سبزیجات یافت می‌شود.

● ویتامین C: این ویتامین با

قرار گرفتن در جریان خون، اثر شیمیایی موادی که به بافت‌های بدن آسیب می‌زند را خنثی می‌کند؛ همچنین از پوست در برابر اشعه ماوراء بنفش محافظت می‌کند و سیستم ایمنی بدن را افزایش می‌دهد. برخلاف باور ما ویتامین C در پیشگیری سرماخوردگی موثر نبوده و فقط

عوارض و طول دوره درمان را کم

می‌کند. کمبود و فقدان این ویتامین که به

آن بیماری اسکوروی می‌گویند باعث خونریزی

لثه، خشکی پوست و ... می‌شود. ویتامین C در مواد غذایی

مانند توت فرنگی، کلم بروکلی، گل کلم، گریپ فروت، گوجه

فرنگی، انبه، سبزیجات با برگ پهن و جعفری در منابع گیاهی و

جگر در منبع حیوانی به مقادیر زیادی وجود دارد.

● **ویتامین E:** این ویتامین به دلیل خاصیت آنتی اکسیدانی که دارد، از سلول‌ها در برابر آسیب مواد شیمیایی مضر که معمولاً در اثر آلودگی هوا، سیگار کشیدن و ... به وجود می‌آید محافظت می‌کند، از لطمه دیدن داخل رگ و سکت قلبی جلوگیری کرده، به دلیل خاصیت ضد انعقادی به جریان راحت خون کمک می‌کند و همچنین از پیشرفت آلزایمر جلوگیری می‌کند، حملات قلبی در بیماران دیابتی را کاهش می‌دهد، روند پیری سلول را کند و به بهبود بیماری‌های پوستی کمک می‌کند، همچنین ویتامین E در جلوگیری از سقط جنین نیز بسیار مؤثر است. کمبود این ویتامین باعث آسیب به اعصاب و عضلات، بی‌حسی دست و پا، اشکال در کنترل حرکت بدن، ضعف عضلانی و ضعف بینایی و افزایش ابتلا به سرطان می‌شود. از منابع غذایی که حاوی این ویتامین هستند می‌توان آجیل‌ها، روغن آفتابگردان و زیتون و جوانه گندم، سبزیجات برگ پهن و تیره مثل برگ چغندر و اسفناج، هلو، کیوی، آواکادو، سویا، سبب زمینی را نام برد.

در این قسمت تنها به معرفی تعدادی از ویتامین‌ها پرداختیم تا به اهمیت و ارزش آنها اشاره کرده باشیم. وجود ویتامین‌ها

برای جسم ما ضروریست اما به این معنی نیست

که ما مجاز به مصرف مکمل‌ها می‌باشیم

بلکه باید آنها را از مواد غذایی

دریافت کنیم و با تغییر و جایگزین

کردن مواد تازه و سالم مانند

جوانه‌ها و غلات کامل و

سبزیجات و آجیل خام و ...

در چرخه غذایی روزانه

تمام مواد معدنی و مغذی

بدن را تأمین کنیم و تنها در

مواقع ضروری و با تشخیص

و تجویز پزشک در میزان

مصرف تعیین شده می‌توانیم از

مکمل‌ها استفاده نماییم زیرا افزایش

بیش از حد آن باعث مسمومیت می‌شود

و استفاده خودسرانه از مکمل‌ها می‌تواند تأثیر

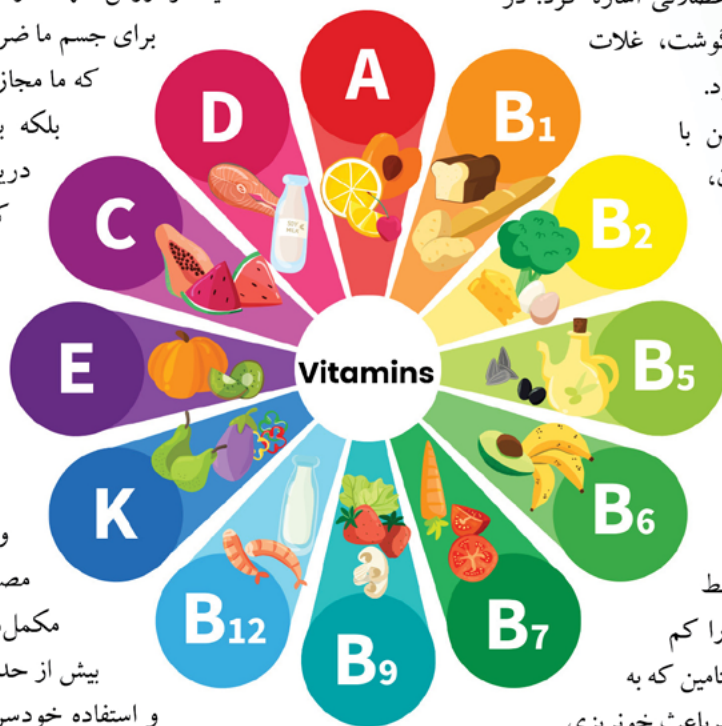
منفی بر بدن داشته باشد و حتی موجب مرگ شود.

همان‌گونه که جسم ما به غذای سالم و تازه نیاز دارد خیلی بیشتر

روح و روان ما به تغذیه مناسب، سالم، تازه و کامل نیاز دارد و این

نیاز و اشتیاق است که ما را به حضور خداوند می‌کشاند تا خوراک

مناسب روح و روانمان را از او بگیریم.





بازخورد مشارکت:



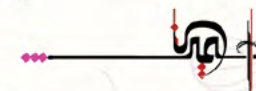
رومینا جان نظرت رو درباره این مشارکت بهمون میگی؟

خیلی حس خوبی دارم از اینکه بدون کمک بزرگترها و با همکاری دوستم، دسر آماده کردیم خیلی هیجان دارم.

هستی جان شما چطور؟

برام چالش بزرگیه، کمی هم ترس داشتم ولی وقتی که فهمیدم قبلا رومینا به کمک مادرش این دسر رو درست کرده، مطمئن شدم همه چیز تحت کنترل است.

مرسی از شما دو نوجوان عزیز! بله جقدر اهمیت دارد که ما به همدیگر و دوستانمان در خدا بتوانیم اعتماد کنیم و در این دنیای تاریک، سازندگان اعتماد باشیم.



«آن را به فرزندان بازنویس و فرزندان به فرزندان، و فرزندان ایشان نیز به نسل بعدی.» یوئیل باب ۱ آیه ۳

سلام به همه عزیزان و همراهان مجله اسمیرنا به خصوص همراهان صفحه آشپزی!

امروز بسیار اهمیت دارد که آنچه را یاد گرفته‌ایم با تمام وجود به نسل بعدی انتقال دهیم. آمین آنها هم از نظر جسمانی و روحانی در خداوند رشد کنند. امروز نیز یکی از همان روزهای مهمی است که هم به فرزندان، هم به نسل آینده‌مان و هم به تمام مردم فریاد بزنیم تا همگی قیام خداوند را بشنوند و از خستگی‌ها، درماندگی‌ها و مردگی‌هایشان قیام کنند. در همین راستا در این شماره از مجله دو تن از نوجوانان کلیسا، «رومینا» و «هستی» عزیز به صورت مشارکتی و همکاری هم برایمان دسری را تهیه و تدارک دیده‌اند که طرز تهیه آن را با ما به اشتراک می‌گذارند تا در این عید و با درک قیام عیسی مسیح در کنار هم میل کنیم و شاد باشیم.

دسر نسکافه‌ای

مواد لازم:

شیر	۳ لیوان ۶۰۰ میلی لیتر
پنیر خامه ای	۳۰۰ گرم
خامه صبحانه	۲۰۰ گرم
شکر	۳ قاشق غذاخوری
نسکافه	۳ قاشق غذاخوری
ژلاتین	۳ قاشق غذاخوری



طرز تهیه:

در کاسه‌ای پنیر خامه‌ای و خامه را به مدت دو دقیقه با همزن می‌زنیم.

شیر را در ظرفی ریخته و روی حرارت قرار می‌دهیم تا گرم شود.

بعد از گرم شدن شیر، نسکافه، شکر و ژلاتین را به ظرف شیر اضافه می‌کنیم.



قبل از جوشیدن، شیر را از روی حرارت برمی‌داریم.

کم کم و به آرامی محلول شیر را با خامه و پنیر خامه‌ای با همزن ترکیب می‌کنیم.



بعد از ترکیب شدن، مواد را از صافی رد می‌کنیم.

درون قالب‌های سیلیکونی با هر شکل دلخواه می‌ریزیم.



مواد آماده شده را به مدت یک شب داخل یخچال قرار می‌دهیم تا بپنسد. حال دسر زیبا و خوشمزه شما حاضر است می‌توانید به ظروف مناسب برای سرو انتقال داده و نوش جان کنید.

رستاخته مبارک



عیسی تورو دوست داره



آشپزی در مشارکت

تیم مشارکت و پذیرایی اسمیرنا

سویندربی در طول این آزمایش‌ها و حتی زمانیکه به مدت طولانی در زندان به سر می‌برد لحظه‌ای آن امید حقیقی، صداقت و وجدان خود را رها نکرد و زمانیکه روز مرگ و دردش فرا رسید، بهای ناچیزی بود که در ازای زندگی پرثمر و امید به حیات جاودان و زیستن با مسیح پرداخت کرده است.

«کاملاً به مسیح اعتماد کنید. به طور کامل بر رنج‌های او تکیه کنید. بر حذر باشید از اینکه بخواهید از راه دیگری غیر از عدالت او عادل شوید.»

آمین ما هم بتوانیم در طوفان‌های زندگی همانند کسانی باشیم که در ایمانشان با ایستادگی ماندند و نیز ثمرات نیکو به بار بیاوریم.

«نه تنها این، بلکه در سختی‌ها نیز فخر می‌کنیم، زیرا می‌دانیم که سختی‌ها بردباری به بار می‌آورد و بردباری، شخصیت را می‌سازد، و شخصیت سبب امید می‌گردد؛ و این امید به سرافکندگی ما نمی‌انجامد، زیرا محبت خدا توسط روح القدس که به ما بخشیده شد، در دل‌های ما ریخته شده است.» رومیان باب ۵ آیه ۳-۵

برگرفته شده از کتاب ندای شهدا

ویلیام سویندربی (۱۴۰۱ میلادی)

«ویلیام سویندربی» یکی از تواناترین واعظان در بین لولاردها بود که شهرت زیادی داشت، بنابراین به عنوان یکی از خطرناک‌ترین پیروان ویکلیف به شمار می‌رفت. در مورد کارهای او اطلاعات زیادی در دسترس نیست و تنها این مشخص است که اثرگذاری و عدم پیروی از رسوم و عقاید او، پنج سال پس از مرگ ویکلیف توجه مقامات کلیسا را به خود جلب کرد. سویندربی یک کشیش در محله اسقف نشین «لینکلن» بود که از سوی هیئت ممتحن تدریس او عجیب و غیر معمول تشخیص داده شد برای همین به او دستور دادند که سکوت کرده و دیگر صحبت نکنند، مگر اینکه بخواهد بدنش خاکستر شود!

این چنین تهدیدهایی مردم را به سرعت ساکت می‌کرد اما سویندربی کماکان به صحبت و تدریس ادامه داد. در سال ۱۳۹۲ میلادی دستور دیگری توسط شاه «ریچارد دوم» علیه این واعظ صادر شد. سویندربی دستگیر شد و در مورد مسائل مربوط به غسل تعمید، سیاست کلیسا، حکومت، نجات و مقدسات مورد مواخذه و اتهام قرار گرفت.

بر طبق سوابق موجود ما بین دومین دستگیری و مرگ عذاب‌آور او که در «لندن» در سال ۱۴۰۱ میلادی به وقوع پیوست نه سال فاصله می‌باشد.

به طور قطع کسی نمی‌تواند بگوید که در آن سال‌ها چه اتفاقی افتاده است لیکن فصل آخر زندگی او نشان می‌دهد که قلب و ذهن سویندربی متقاعد شده بود که کتاب مقدس تنها مرجع و اساس ایمان مسیحی است و راه نجاتی معرفی می‌شود که امید مسیحیان بود، یعنی فیض خدا که از طریق ایمان شخصی به او از آن برخوردار می‌شویم.

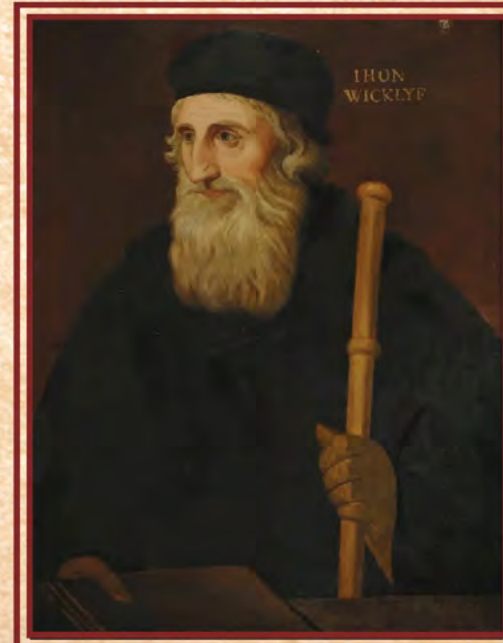


سیاست‌ها کشیده شده بود و تعالیم کتاب مقدس کمتر در آن آموزش داده می‌شد.

جان ویکلیف (وفات ۱۳۸۰ میلادی)

«جان ویکلیف» بر این باور بود که کلیسا به تعالیم کتاب مقدس اهمیتی نمی‌دهد و تمرکز خود را بر سنت‌ها و سیاست دولت‌ها گذاشته است از این رو زبان به اعتراض گشوده و چالش‌ها و انتقاداتی را نسبت به کلیسا بیان کرد. ویکلیف در سال ۱۳۸۰ میلادی، اولین کتاب مقدس را از لاتین به انگلیسی ترجمه کرد. عده‌ای که خود را «لولارد» (همچنین لولادیسم، معترضین مسیحی) می‌نامیدند از وی پیروی می‌کردند. آنها کتاب مقدس را مطالعه می‌کردند و مورد بررسی قرار می‌دادند و ایمانی را موعظه می‌کردند که به دنبال تبدیل حقیقی و احیای آیین‌ها و اجرای مراسم قدیمی و بازگرداندن کلیسا به محوری به نام کتاب مقدس بود.

جان ویکلیف در سال ۱۳۸۴ میلادی بر اثر سکه مغزی در گذشت. چهل و چهار سال پس از مرگش، پاپ دستور داد استخوان‌های او را نبش قبر کرده و بسوزانند. اما لولاردهای دیگر راه او را ادامه دادند.



تاریخ سازان آسمانی

پدر

ایمان را
ببافش
چون نمى نهند
چون مى کنند

«جان ویکلیف»
«ویلیام سویندربی»

تکرار قسمت سی و پنجم

با سلام به شما همراهان عزیز صفحه تاریخ‌سازان! در سفرهایی که در این صفحه داشته‌ایم با افراد زیادی آشنا شدیم که بر ایمان و باور خود حتی تا پای جان ایستادگی کردند و محبت و عشقی را که چشیده بودند به ما منتقل ساختند. در فصل یک به مرور حوادثی از قرن اول پرداختیم که شاگردان اولیه چطور در مسیر استاد و خداوند خود ماندند و آن را ادامه داده و هر یک چطور در این راه جان خود را از دست دادند. در ادامه و در فصل‌های بعد به زندگی و شرح حوادث پیرامون شاگردان و ایماندارانی پرداختیم که زندگی و جان خود را با اخلاص در راه مژده انجیل گذاشته و همانگونه که عیسی گفته بود به اقصی نقاط جهان رساندند و شاهدین حقیقی کارهای خدا در زندگی‌شان گشتند. همانطور که جمله معروف تاریخ‌سازان آسمانی هر بار بیان می‌کند:

«معمولاً مردم شکنجه یا مرگ دردناک را به خاطر چیزهای دروغ تحمل نمی‌کنند.»

در این شماره از سری مطالب تاریخ‌سازان به زندگی «ویلیام سویندربی» و «جان ویکلیف» می‌پردازیم که شاید بتوان ایشان را از اولین کسانی دانست که زبان به اعتراض نسبت به کلیسا گشودند چرا که در آن زمان به سمت و سوی سنت‌ها و





فرشته‌ها گفتند:
«عیسی زنده است!»
بروید و به شاگردانش خبر بدهید.

وقتی که رسیدند، سنگ جابجا شده بود و بدن مسیح آنجا نبود.
چند فرشته در قبر بودند!

۴

۳



آن زنان به شاگردان خبر دادند. پطرس و یوحنا به طرف قبر عیسی دویدند تا خودشان ببینند. تنها چیزی که پیدا کردند، کفن عیسی بود. آنها گیج و متعجب به خانه برگشتند.

۶

۵



مقدمه

داستانهای کتاب مقدس

با سلام و درود بیکران به همه والدین و مربیان عزیز. تربیت و رشد فرزندانمان یکی از بزرگترین مسئولیت‌هایی است که به عنوان والدین و مربیان بر عهده ما گذاشته می‌شود تا نسل بعد را با کلام و راه‌های خدا آشنا کنیم و فرصتی را برای یافتن حکمت و معرفت در خداوند و کلام او، برای آینده آنها مهیا کنیم.

کتاب «داستان‌های کتاب مقدس» برای کودکان در سنین ۳ تا ۷ سال مناسب می‌باشد و در مسیر هدف هر داستان، می‌توانیم با کمک گرفتن از رنگ‌ها و تصاویر توجه خردسالان را به داستان متمرکز کنیم. از بچه‌های بزرگتر می‌توانیم در بازگو کردن داستان برای خردسالان کمک بگیریم و اهمیت انتقال دادن کلام خدا را به آنها نشان دهیم و در عین حال توانایی سخنگویی و مشارکت آنها را تقویت کنیم. همچنین می‌توانیم اپلیکیشن «کتاب مقدس کودکان - Bible for kids» را دانلود و نصب کرده و به همراه کتاب و با شنیدن داستان به زبان‌های مختلف، سوالات در مورد داستان، جایزه، تشویق و به دست آوردن جوایز و گنج‌ها آن را دنبال کنیم.



در شماره پیشین به داستان «تمام شد» پرداختیم و در داستان خواندیم که عیسی به خاطر گناهان ما بر روی صلیب کشته شد. اما در این شماره از ماهنامه اسمیرنا به داستان «یکشنبه شاد» از انجیل «متی باب ۲۸ آیات ۵ تا ۸»، «مرقس باب ۱۶ آیات ۴ تا ۷»، «لوقا باب ۲۴ آیات ۱ تا ۱۲» و همچنین «آیات ۳۶ تا ۴۹» و «یوحنا باب ۲۰ آیات ۳ تا ۱۰» از کتاب مقدس کودکان می‌پردازیم. قیام عیسی مسیح بر شما مبارک.

مروری بر داستان

یکشنبه شاد

قبر خالی

متی ۸:۵ تا ۵:۸
مرقس ۱۶:۱ تا ۴:۱۶
لوقا ۲۴:۱ تا ۱۲:۲۴
۳۶:۳۶ تا ۴۹:۴۹
یوحنا ۲۰:۱ تا ۱۰:۲۳



۲

۱

وقتی زنان به سمت قبر رفتند چه چیزی یافتند؟



عیسی در چهل روز بعد از قیام به بیشتر از پانصد نفر از پیروان خود ظاهر شد و ثابت کرد که او واقعاً زنده است. او در مورد پادشاهی خدا هم با آنها صحبت می‌کرد.

۱۲



بگذارید همه بفهمند که اگر به سمت خدا برگردند همه گناهانشان بخشیده می‌شود و این فقط به خاطر کاری که انجام دادم ممکن شده است.

شاگردان چه چیزی را باید به همه جهان می‌گفتند؟

۱۱

نکات کلیدی

- ۱ عیسی زنده است.
- ۲ عیسی گفت: «من هستم».
- ۳ عیسی گفت: «به همه دنیا بگویید که چه دیده‌اید».
- ۴ عیسی در مدت چهل روز ثابت کرد که واقعاً زنده است.
- ۵ عیسی در مورد پادشاهی خدا با شاگردانش صحبت کرد.
- ۶ مسیح باید می‌مرد و پس از آن دوباره زنده می‌شد.

مسیر و هدف

- ۱ شناخت خدا
- ۲ رابطه ما با خدا
- ۳ قدم عملی

کاربرد داستان

- ۱ بدانیم در هر شرایطی که هستیم عیسی زنده است.
- ۲ ما هم باید به دیگران بگوییم عیسی زنده است.
- ۳ در هر مشکلی بدانیم باید به عیسی تکیه کنیم.
- ۴ عیسی خودش را «من هستم» می‌خواند.
- ۵ ما هم می‌توانیم در مورد پادشاهی خدا با بقیه صحبت کنیم.
- ۶ در هر لحظه از زندگی بدانیم عیسی تنها نجات دهنده است.
- ۷ مسیح در زندگی ما قیام کرد و نمرده بلکه در کنار ماست.
- ۸ مرگ و قیام عیسی طبق نقشه خداوند انجام شد.
- ۹ هدف خداوند برای ما زندگی کردن در پادشاهی اوست.

طرح سوال

- ۱ شاگردان چه چیزی را باید به همه جهان می‌گفتند؟
- ۲ وقتی زنان به سمت قبر رفتند چه چیزی یافتند؟
- ۳ فرشته‌ها به زنان چه گفتند؟
- ۴ وقتی شاگردان وحشت زده بودند عیسی به آنها چه گفت؟
- ۵ عیسی بعد از مرگش به چند نفر از شاگردان ظاهر شد؟
- ۶ عیسی چند روز بعد از قیامش با شاگردانش بود؟

شاگردان با هم در اتاق جمع شده بودند. آنها درباره آنچه اتفاق افتاده بود مشغول صحبت بودند که عیسی بر آنها ظاهر شد. آنها وحشت زده شدند و فکر می‌کردند که او شیخ است!



۷

عیسی گفت: «نگران نباشید، دست‌ها و پاهایم را ببینید، من هستم!»
بیایید و لمس کنید. شیخ را کسی نمی‌تواند لمس کند. شیخ غذا هم نمی‌خورد. ولی من واقعاً گرسنه هستم!



۸

پس عیسی مقداری ماهی خورد. بعد شروع به درس دادن به شاگردان کرد. او گفت: «در کتاب مقدس گفته شده است که مسیح باید عذاب بکشد و بمیرد و پس از آن دوباره زنده شود».

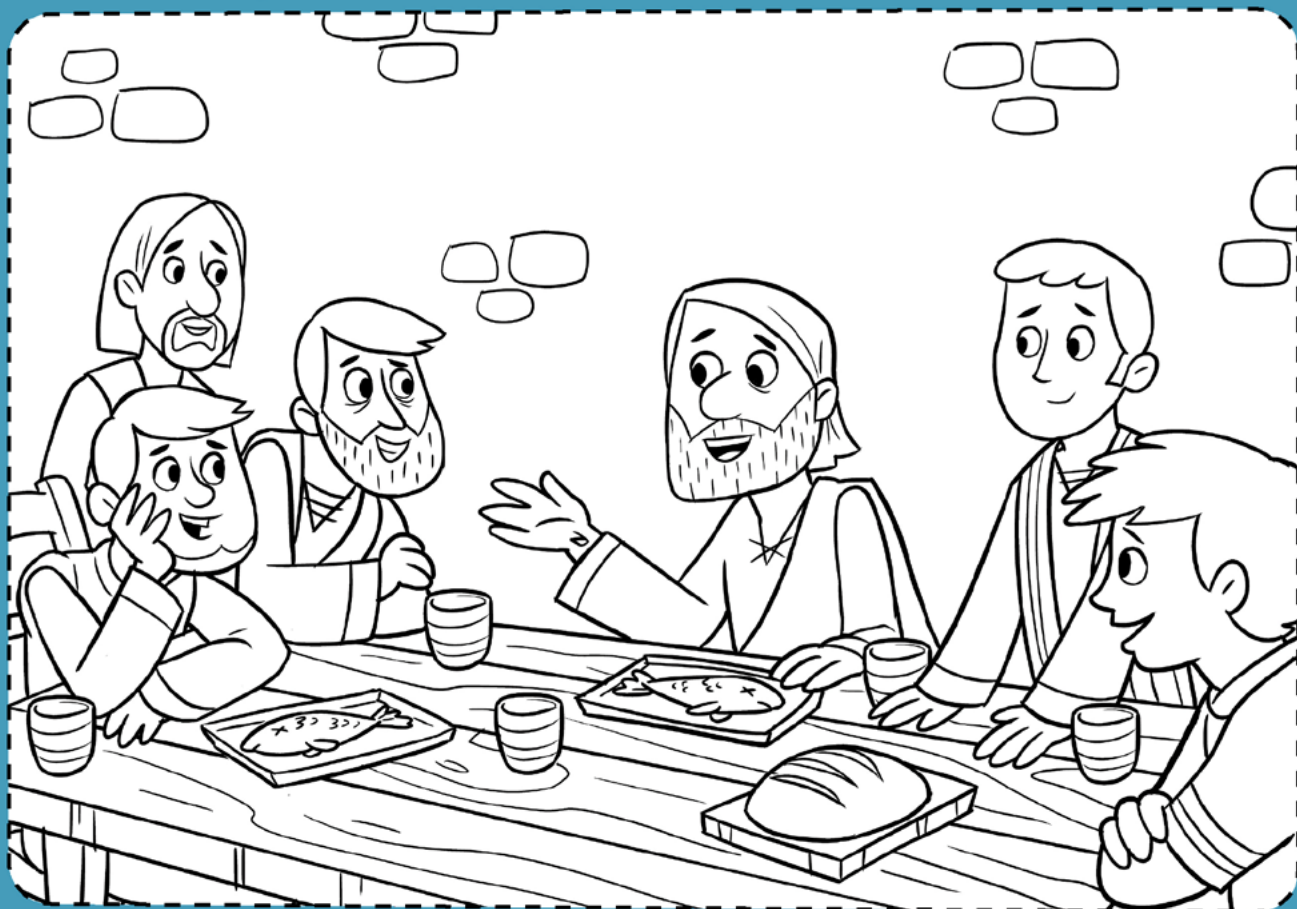
«حالا به همه دنیا بگویید که چه دیده‌اید».



۹

۱۰

رنگ آمیزی کنید...



بچه‌ها می‌توانند بازی لی لی را با مشارکت والدین انجام دهند و از این بازی لذت ببرند.



راه را بیابید

Happy Easter

آیه‌ای برای به خاطر سپردن

«اما مسیح بر راستی از مردگان برخاسته و نوبر هفتگان شده است.»

اقرتیا ۱۵:۲۰

مشارکت پایانی و فعالیت عملی



از بچه‌ها پرسیم اگر مسیح از مردگان زنده نمی‌شد چه اتفاقی می‌افتاد؟
و الان که ایمان داریم او زنده است چه اتفاقی در زندگی‌های ما می‌تواند بیفتد؟
از بچه‌ها بخواهیم وقتی در سختی‌ها قرار می‌گیرند به جای اینکه ناامید شوند در مشارکت با هم زنده بودن عیسی را به یکدیگر یادآوری کنند و باعث قوت هم باشند.

کاردستی

بچه‌ها می‌توانند تخم مرغ‌های رنگی کاغذی را به وسیله مقوا، کاغذ رنگی و وسایل مورد نیاز درست کنند و با کمک خانواده تخم مرغ را از قبل آویز کرده و آن را رنگ کنند.



دعا

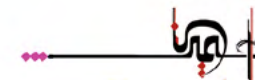
ما به عنوان مربیان و والدین می‌توانیم دست بچه‌ها را در اتحاد بگیریم و با خوشحالی برای اینکه عیسی زنده است، صدای ما را می‌شنود و هر لحظه کنار ما و عاشق ماست با هم دعا و پرستش کنیم.



تحقیق

از بچه‌ها بخواهیم در مورد «عود، مُر، کندر» تحقیق کرده و بدانند چرا در زمان‌های گذشته از اینها استفاده می‌کردند.





سالگردها را به خاطر بسپار...



با شنیدن و دیدن این کلمه به یاد چه می‌افتید؟ سالگرد...

شاید یادآور سالگرد ازدواج و حتی سالگرد گرامیداشت هنرمندی و یا مرگ عزیزانمان است که دیگر در میان ما نیستند.

امروز برای من به عنوان یکی از خادمین مجله سمیرنا این کلمه یعنی سالگرد، یادآور روزهای شروع مجله است و چالش‌های بیشمار آن، اما آنچه به یادگار مانده آن است که چگونه خدا در تمامی این سال‌ها قدرت، هدایت و رهبری خود را در این مسیر بر ما ارزانی داشته است.

امروز سالگرد، شما را در چه مسیری قدرت می‌بخشد و آیا هدایت و رهبری خدا را بیش از پیش در زندگی می‌بینید؟ شاید با به یاد آوردن سالگرد از دست دادن دوست و یا عزیزی که دیگر در میان ما نیست، به یاد غم و

اندوه از دست دادنش می‌افتیم و یا شنیدن این کلمه ما را به سوی به یاد آوردن زندگان و اهمیت ایجاد رابطه، راستی و دوستی برمی‌انگیزاند.

سالگردی که باید به قدم برداشتن در سالی که نشانه رشد و بزرگتر شدن است رهنمود باشد. بزرگتر شدن در بخشیدن، رشد کردن در درک یکدیگر و محبت نمودن به هم و یا بزرگتر شدن در مفهوم زندگی و زیستن به عنوان یک انسان، انسانی که نه فقط یک موجود بلکه آفرینشی که خدا او را شبیه خود و برای رابطه با خود با تمامی محبت و عشقش آفرید. بله... ثمره عشق خداوند آفرینش من و توست و ما محصول محبت اویم.

پس بیاید امروز بار دیگر به این بیندیشیم که سالگردها، خاطرات و یادآوری‌ها ما را به چه چیز منقلب می‌سازد و چگونه رهبری و هدایت خداوند برای رفتن به سطحی والاتر ما را برمی‌انگیزد؟

بیایید امروز فکرهايمان در مسیح عیسی ساکن باشد و مانند او بیندیشیم و عمل کنیم. چرا که ثمره عشق آفریدگاری بی‌ماندیم، برای انجام کاری عظیم.



امیر سوروش





سلام و درود خدمت همراهان صفحه «من یک زن هستم»!
عید قیام مبارک.

با فیض خداوند در این نه سالی که گذشت، در این صفحه بر این بودیم تا هر چه بیشتر در درک هویتمان در مسیح رشد کنیم؛ شناخت هویتمان در مسیح به ما کمک می‌کند در خانواده به عنوان همسر، خواهر، فرزند و یا مادر عملکرد صحیحی داشته باشیم. تصور کنید که معدن گرانبهائی پُر از جواهرات را پیدا کرده و با ماشین حفاری به آن دست یافته‌اید و حال آن جواهرات در دستان شماست؛ در زندگی شماست، ولی تا آنها را خرج نکنید زندگی‌تان متحول نمی‌شود. ما نیز با ایمان به مسیح این معدن را یافته‌ایم و صفات نیکویی که از آن خداوند است را می‌توانیم با ماشین ایمان

بیابیم. حال برای اینکه این صفات زندگی‌مان را متحول کند باید این خصوصیات را بکار ببریم و آنها را تمرین کنیم. یکی از این خصیصه‌ها «وفاداری» است که در این شماره به آن می‌پردازیم. «دروازه‌ها را بگشاید تا قوم پارسا داخل شود، قومی که وفادار می‌ماند.» اشعیا ۲: ۲۶

به راستی معنای حقیقی وفاداری چیست؟ و وفادار کیست؟

امروزه وفاداری مثل یک افسانه شده است و در جامعه شاهد بی‌وفایی‌های بسیاری هستیم. این معضل اجتماعی ثمره‌اش ترس، تنفر، خشم، بی‌اعتمادی و... می‌باشد. بلی! در پس عهدشکنی‌ها گنجی، شک و گم شدن در انتظار ما می‌باشد و از جاده سلامتی و برکت دور می‌شویم؛ اما خبر خوش در این بین وفاداری خداست که وفادارانه منتظر بازگشت ما است و برای احیای رابطه‌اش با ما جانش را داد. باید هر روزه در شناخت این خدا رشد کنیم تا ثمرات مشارکت با او زندگیمان را پر کند.

براستی پایداری و وفاداری امروزه چهره‌ای نادان به خود گرفته است و شیطان با فریب‌هایش هر روز می‌گوید: «اگر وفادار باشی یا پایدار، احمق هستی زیرا دنیا نسبت به تو بی‌وفاست.» بله! پیچ‌های تاریکی در گوشمان زمزمه می‌شود: «وفادار نباش، فکر می‌کنه بهش وابسته‌ای»، «وفادار باشی، آزاد نیستی»، «اون قدر تو رو نمی‌دونه»، «آخه فکر می‌کنی اون باوفاست!»، «به خودت فکر کن»، «داری گول می‌خوری»، «سواستفاده می‌کنه ازت»، «اگه ترک کنی ارزشت رو



بررسی موقعیت:

بر طبق آخرین باب‌های کتاب داوران در آن زمان قوم در گناه زندگی می‌کردند و انحراف جنسی و فساد در میان قوم بسیار شایع بود، زنان در آن بُرهه تاریخی قدرت و ارزش چندانی نداشتند و بیوه شدن یک زن همانند فاجعه‌ای بزرگ می‌نمود. اما نعومی در اوج این تاریکی‌ها و شرایط، خدای خود را وفادارانه پیروی می‌کند؛ او توانست نوری باشد برای هدایت عروس خود و در پایان، این برکت شامل نعومی هم شد.

براستی نعومی در این فشار چگونه توانست به خداوند وفادار بماند؟ قحطی از یک سو، از دست دادن شوهر و پسرانش از سوی دیگر! نعومی چه چیزی را یافته بود که نمی‌خواست آن را از دست دهد؟ او چگونه درهای غم و تلخی را بست؟

تا زمانی که محبت حقیقی را نجشیده باشیم نمی‌توانیم وفاداری حقیقی نسبت به عهدها، اشخاص و حتی خدا را درک کنیم؛ خدای ما خدای محبت است. به همین دلیل به تمامی وفادار خوانده می‌شود. **این سخن درخور اعتماد است که: «اگر با او مردیم، با او زندگی هم خواهیم کرد. اگر تحمل کنیم، با او سلطنت**

می‌فهمه»، «محک بزن بین بیرون چه خبره؟»، «همه انجام می‌دهند تو هم بی‌وفایی کن» و... بله! دنیا هر روز برجسب‌هایی دارد تا ما را از جاده اصلی دور کند و هر لحظه وفاداری را در غالب معامله‌ای به ما نشان می‌دهد.

عبارات بسیاری نیز می‌شنویم تا ما را از تمرکز و وفادار بودن به خداوند باز دارد: «اگر به خدا زیاد فکر کنی، دیوانه هستی»، «اگر حرف خدا را زیاد بزنی، مذهبی هستی» و اما و اگرهای بسیاری را به ما یاد می‌دهد تا در شرایط مختلف به خودمان اجازه بدهیم وفادار نباشیم، زیرا دیگران وفادار نیستند. واژه گرگ بودن بسیار زیباست و گوسفند بودن بسیار زنده؛ بسیاری آرزو می‌کنند کاش در جامعه می‌توانستند گرگ باشند تا موفق شوند، چه آرزوی تلخی!

در حقیقت بهترین راه درک وفاداری تأمل در وفاداری یهوه است، خدایی که در هر شرایطی وفادار هست.

در کتاب «روت»، نگاهی می‌اندازیم به دو بانو که در وفاداری قدم برداشتند تا با هدایت روح خدا به شناخت بهتر در شخصیت و هویت حقیقتمان در مسیح پی‌ببریم.

یادآوری از کلام کتاب روت، عهد عتیق:

در ایامی که «داوران» حکم می‌راندند، در سرزمین اسرائیل قحطی شد. پس مردی از «بیت‌لحم» «یهودا»، با همسر و دو پسرش به دیار «موآب» رفت تا در آنجا غربت گزینند. قحطی در بیت‌لحم سبب کوچ این خانواده به موآب (اردن امروزی) می‌گردد. شروع قوم موآب از فرزندان دختران «لوط» شکل گرفت و بعدها به دشمنان قوم خداوند تبدیل شدند. «آلیملک» در موآب درگذشت و «نعومی» و دو پسرش باقی ماندند. پسران وی از دختران موآبی برای خود همسرانی به نام «عرفه» و «روت» گرفتند. به یاد داشته باشید که دوستی با اقوام دیگر بر طبق کتاب «تثنیه» مجاز نبود و از طرفی ازدواج با آنها کاملاً برخلاف شریعت گفته شده توسط موسی بود. روت همسر «محلون» بود. پس از ده سال هر دو پسر نعومی مردند. نعومی تصمیم به ترک موآب و بازگشت به سرزمین خود یعنی بیت‌لحم گرفت و از هر دو عروس خود خواست که در موآب و در بین خویشان خود مانده و ازدواج کنند. روت تقاضای نعومی را نپذیرفت و همراه مادر شوهر خود، موآب را ترک کرده و راهی بیت‌لحم شدند. نعومی که روت را وفادار در کنار خود می‌یابد او را هدایت می‌کند تا از «بوعز» یکی از اقوام یهودی درخواست یاری کند و از وی خواست او را به زنی خود بگیرد. به یاد داشته باشیم طبق سنت یهود نزدیک‌ترین خویشاوند مجرد باید او را حمایت می‌کرد. بوعز قبول کرد که روت را به زنی بگیرد تا نام شوهرش از بین نرود و روت عروس نعومی را به همسری انتخاب کرد. روت صاحب پسری به نام «عوبید» گردید که پدر بزرگ «داوود» پادشاه می‌باشد و «مسیح» نیز از نسل وی می‌باشد. نعومی دایه عوبید گردیده و از وی مراقبت می‌کرد.



هم خواهیم کرد. اگر انکارش کنیم، او نیز انکارمان خواهد کرد. اگر بی‌وفا شویم، او وفادار خواهد ماند، از آن رو که خویشتن را انکار نتواند کرد.» دوم تیموتائوس باب ۲

بسیاری از مواقع ما تلخ هستیم، دشمنی می‌کنیم، در وادی مرگ قدم می‌زنیم و در لجبازی‌ها انتخاب می‌کنیم که وفادار نباشیم، اما



بروی می‌آیم و هر
کسی مثل می‌کنم.
موم تو قوم من و خدای تو
خدای من خواهد بود. هر
جاکه بمیری در آن جا دفن
خواهم شد

خدا وفادارانه منتظر ما می‌ایستد تا بازگردیم و توبه کنیم و با محبت انبوهش ما را می‌پوشاند. پدر آسمانی با محبت عظیمش برای نجات ما قدم برداشت تا وارد رابطه با او شویم.

«زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاویدان یابد.» یوحنا ۳:۱۶

رابطه‌ای که اگر ما در آن قدم بگذاریم رابطه‌ای سرشار از امنیت، شادمانی و عشق حقیقی است، چشیدن این عشق و محبت باعث پدید آمدن وفاداری می‌شود.

نعمی کارهای خدا را به یاد داشت و عشق خدا را برای نجات قوم شنیده بود و به نقشه کامل خدا امید داشت در جایی که هیچ امیدی نبود او انتخاب کرد که در خدا بماند و نیاز خود را در او بجوید او حتی از دو عروسش خواست تا به نزد خانواده‌شان بازگردند. یکی از لازمه‌های دیگر وفاداری، پایداری و ثبات است. همانطور که بارها در کلام خوانده‌ایم

خداوند در وعده‌هایش امین است و تغییر نمی‌کند؛ در شرایط مختلف، در بحران‌ها و در روابط با انسان‌های گوناگون خداوند به تمامی وعده‌هایش وفادار است.

حال ما چقدر در سختی‌ها و شرایط دشوار زندگیمان به روی عهدمان با خدا پایدار می‌مانیم و اجازه نمی‌دهیم فریب‌های دنیا ما را نسبت به پدر آسمانیمان بی‌وفا کند قابل تأمل است!!

نعمی که زمانی طبق خواست شوهرش از خویشان و سرزمینش دور می‌شود و به موآب می‌رود اینک بیوه زنی فقیر و بی‌اولاد است. حال که تصمیم با خود اوست انتخابش بازگشت به سرزمینش است، ولی راه سخت است و طاقت فرسا؛ خصوصاً برای بیوه زنانی که پولی در چنته خود ندارند و از دو عروسش می‌خواهد به نزد خانواده‌شان برگردند و ازدواج کنند چرا که نعمی مهربان حاضر نبود دو عروسش بیش از این متحمل سختی شوند زیرا آنها به اندازه کافی رنج کشیده‌اند. در ابتدا دو خواهر موآبی عرفه و روت حاضر به ترک مادر شوهر خود که اینک برایشان حکم خانواده‌شان را دارد نشدند و زار زار گریستند. به راستی چرا؟ مگر نعمی پسرانی دیگری داشت؟ مگر ثروتی داشت؟ نه! چه چیزی نعمی را برایشان اینقدر خواستنی کرده بود؟ آن دو می‌خواستند به نزد قوم خداوند و خدای یهود بروند، مگر یهوه را می‌شناختند؟ چه آشنایی با قوم یهود داشتند؟ معیار سنجش آنها چه بود؟ مسلماً اَلِیْمَلِک نبود، چرا که او سال‌ها قبل در گذشته بود. می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که نعمی چنان مهربان، رئوف، با گذشت، شکیب، با حکمت و درایت در خانواده عمل کرده بود، طوری با ایمان زندگی کرده بود که دو

دختر موآبی او را معیار شناخت یهوه و قوم قرار داده بودند. نعمی به عنوان نور و نمک به خوبی عمل کرده بود.

خانواده ما ایمانداران هم آماج حمله‌های شریر قرار می‌گیرد، فقر، فسادهای مالی، خیانت و حتی مرگ عزیزان دروازه‌های باز حملات شریر به خانواده‌مان می‌تواند باشد. اگر در مسیح نمانیم و در او تجهیز نشویم آرامی او را دریافت نخواهیم کرد. به عنوان زن و مادر مسیحی موظف هستیم با استفاده از حکمت الهی و درایت، خانواده را در پایداری در ایمان با صبر، شکیبایی و فروتنی حفظ و نگهداری کنیم و دعا کنیم تا محافظت خداوند بر خانواده باشد. «چنان در اتحاد با خداوندمان باشیم و طوری با کلام زندگی کنیم تا نور و نمکی کارآمد برای مسیح باشیم و آنهایی که از بیرون خانواده را می‌نگرند به سمت مسیح روی آورده و او را ببینند.» (اول پطرس ۳:۱۵)

در ادامه نعمی دلسوز که تاب رنج کشیدن دو دختر را نداشت باز اصرار می‌کند آنها به نزد مادرشان برگردند و خودش را باری بر دوش عرفه و روت می‌داند. «زیرا که جان من به خاطر شما تلخ شده چونکه دست خداوند بر من دراز شده.» (روت ۱:۱۳)

اینبار عرفه تسلیم اصرار او می‌شود و در راه با صدای بلند می‌گریست زیرا به خانواده شوهر متوفایش (نعمی) احساس تعلق خاطر داشت. اما شاید تعلقات مادیش در موآب دست و پایش را بسته بود. پس نعمی را تَرک می‌کند و می‌رود اما روت می‌گوید که او را ترک نخواهد کرد.

«هر جا تو بروی می‌آیم و هر جا منزل کنی منزل می‌کنم. قوم تو قوم من و خدای تو خدای من خواهد بود. هر جا که بمیری در آن جا دفن خواهیم شد.» روت ۱:۱۶

روت هم با اینکه همه شواهد نشان از سختی و تنگی داشت انتخاب کرد که یهوه خدای او باشد، خیلی مواقع ایمان ما را آنچه چشمان می‌بیند تعریف می‌کند اما خداوند محبت پایدارش برای ما بر حسب نیکویی خودش هست. ما چطور؟! روت هم با ایمان قدم برداشت حتی زمانیکه هیچ چیز خوب دیده نمی‌شد اما در آخر اسم او در شجرنامه عیسی دیده شد.

نعمی توانسته بود یک اتحاد خدامحور بین خانواده‌اش ایجاد کند به طوری که روت حاضر به خروج از این اتحاد نبود. یک مادر ایماندار از طریق خواندن کلام و تطبیق آیات آن با زندگی خانوادگی و تجسم کلام در خود می‌تواند بنیان و اساس خانواده و فرزندان را با محبت خداوند بنا کند. بدین گونه صمیمیت و نزدیکی بین خودشان نیز رشد خواهد کرد. نعمی توانسته بود یهوه را در رفتار و کردارش جاری سازد و آنچنان تأثیری روی روت بگذارد

که او حاضر به دست کشیدن از تمام متعلقاتش در موآب شود و با نعمی به سوی دیاری ناشناخته و خدایی تازه برود. روت تَوکَلُّش را به خدای نعمی و حکمت و درایت او و پشتیبانی عاطفی نعمی بسته بود.

زندگی مادی نعمی به بن‌بست رسیده بود؛ نعمی از نظر مادی خالی و تهی بود، نعمی هیچ چیز نداشت، حتی سر پناهی بالای سرش نمانده بود اما روحش با وجود غم سنگین مرگ عزیزانش خدا را می‌جوید، چرا که به احکام و شریعت او وفادار بود و روت را به بیراهه هدایت نکرد. از صفات نیکوی بانوی ایماندار می‌توان به خصیصه‌های اخلاقی نعمی در کتاب روت اشاره کرد. نعمی در صبر و پایداری در ایمان، فداکاری و محبت، سرسپردگی و تسلیم در برابر خداوند، یهوه نمونه‌ای مثال زدنی است.

حتماً شنیده‌اید که بعضی خانواده‌شان را جهنمی غیر قابل تحمل توصیف می‌کنند. چرا آنها به این مرحله رسیده‌اند و چه کسی این شرایط را ایجاد کرده است؟ چه فاکتورهایی در این بین به فراموشی سپرده شده است؟ در این چنین خانواده‌ای افراد نسبت به هم فروتن نبوده و بخشش نداشته‌اند و روح‌القدس را در رفتار و عمل خود نجویده‌اند. ما زنان به عنوان سهم خود، مسئول طلبیدن هدایت خداوند در میان افراد خانواده‌مان هستیم. فروتنی و بخشش مسیحایی را ما به فرزندان می‌آموزیم. نه فقط به گفتار بلکه در کردارمان برای فرزندان خود الگویی مناسب از یک ایماندار باید باشیم تا بتوانیم آنها را شاگرد سازیم تا در طی راه، نور خداوند راهمان را روشن سازد.

کتاب روت به ما این بینش را می‌دهد که خداوند می‌تواند همه ما را در نقشه خود به کار گیرد و فقط عده یا قومی خاص محبوب خداوند نیستند. اما تنگ است آن در و سخت است آن راه که به حیات منتهی می‌شود و یابندگان آن کم‌اند.

زمانیکه تصمیم می‌گیریم که به خداوند وفادار باشیم دریافته‌ایم که صخره امن اوست، تنها ملجا اوست که می‌توانیم در او پناه بگیریم. این تصمیم به ما کمک می‌کند تا در روشنایی حرکت کنیم و سخنان تاریکی و پیچ‌ها نتوانند زندگی ما را کنترل کنند بلکه خدای آسمان‌ها و زمین زندگی ما را در دستانش هدایت کند، اگر در او بمانیم ثمر خواهیم داد.

بلی! شاخه‌ای که به تاک وصل باشد و از آن تغذیه شود و در او ریشه بگیرد، ثمر خواهد داد؛ پس چه بخواهیم چه نخواهیم اگر در او بمانیم ثمر خواهیم داد. یکی از ثمرات مشارکت با روح‌القدس تسلیم خودمان و وفاداری به اوست. (غلاطیان ۵: ۲۲)

مسح وفاداری در خداوند با تک به تک شما.

تیم بانوان اسمیرنا



اصفهان

یهوه صباوت خدای
لشکرها، ارتشی از زنان و
مردان دعا را در سراسر
دنیا از هر قوم، ملت و
زبانی رهبری می کند
و عیسی مسیح امروز
ما را کلیسا می خواند
و می فرستد تا نجات را
اعلام کنیم.

خالق آسمان و زمین شکرگزار تو هستیم برای سرزمین
ایران برای مردان و زنان غیور کشورمان، خداوند! به
نام مسیح امروز در یکدلی و اتحاد برای قوم ایرانی
می طلبیم، در این فصل تازه در تو آباد و آزاد شوند و از
بند ترس، اسارت و مذهب رها گردند.
امروز صلح و سلامتی تو را، عشق و تازگی در تو را بر
خاک سرزمینمان ایران اعلام می کنیم.

خداوند! شکرت می کنیم که امروز این فرصت را به ما دادی تا
برای یکی دیگر از استان های سرزمینمان در دعا با عزیزان بایستیم.
امروز به طور خاص استان «اصفهان» را به حضور قدوس و
پر جلالیت می آوریم.

خداوند! صلح و سلامتی تو را به این استان اعلام می کنیم. شکرت
می کنیم برای طبیعت بی حدی که در این استان وجود دارد، جای
به جای این استان را که نگاه می کنیم هنر دستان تو را می بینیم.
خداوند! شکرت می کنیم برای جاذبه های این استان سی وسه پل،
ابیانه، پل خواجو، تالاب گاوخونی و...

شکرت می کنیم برای رود همیشه جاری زاینده رود و ای خداوند از
تو می خواهیم که همواره آن را از سرچشمه های آسمانی پر سازی.
شهرهای این استان «اصفهان، کاشان، نجف آباد، فلاورجان،
خمینی شهر و دیگر شهرهای این استان» را به حضور و پای
تخت پادشاهی تو می آوریم و برای ساکنین این شهرها تو را شکر
می کنیم.

«ای قوم همه وقت بر او توکل کنید و دل های خود
را به حضور وی بریزید. زیرا خدا پناهگاه ماست.»
(مزامیر باب ۶۲ آیه ۸)

برای بیماران و بیمارستان های این استان دعا می کنیم و دستان شفا
بخش تو را بر این عزیزان اعلام می کنیم، زیرا تو بهتر از هر پزشکی
می دانی که چه چیز نیاز آنها است. خداوند! تجهیزات پزشکی
بیمارستان های استان اصفهان را به حضورت می آوریم و از تو
که خدای مهیا کننده هستی درخواست می کنیم که برای آنها تو
تجهیزات مهیا کنی. پزشکان، پرستاران و پرسنل بیمارستان های این
استان را به حضورت می آوریم تا قوت آنها شوی و به آنها نیروی
مضاعف دهی برای ادامه کارهایشان.

خداوند! مدارس این استان را تو تجهیز کن تا فرزندان تو با
امکانات بیشتر بتوانند تعلیم ببینند. تو خدایی هستی که قوم خود را
با آتش و ابر هدایت و محافظت کردی. ایمان داریم از فرزندان
در این مدارس هم همانطور محافظت می کنی. ای خداوند!
معلمان و مدیران مدارس این استان را تو هدایت کن تا آنچه که
باید فرزندان بیاموزند به آنها در روح و راستی آموزش دهند و
همچنین قدرت تشخیص تو را بر فرزندان این استان می طلبیم تا تو
را بشناسند و از پی تو روانه شوند.

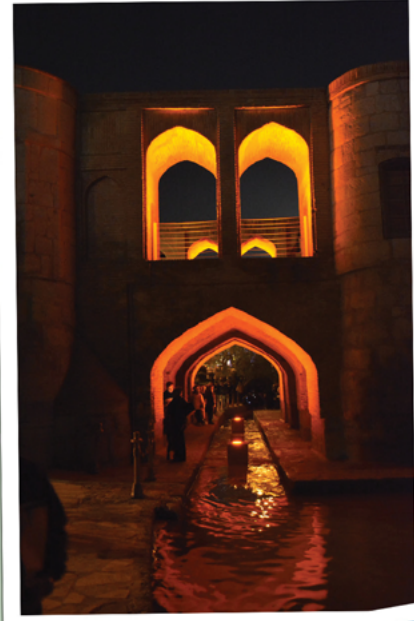
ای خداوند، ای قادر مطلق، برای پرورشگاه های این استان دعا
می کنیم، آمین مسئولین این مراکز از حکمت تو برخوردار شوند تا
آنچه که به عنوان وظیفه به آنها محول شده را به نحو احسن انجام
دهند. ای پدر جان، تو برای کودکانی که در این مراکز هستند
پدری کن و آنها را در جایی که باید قرار بگیرند طبق اراده و
خواست خود قرار بده. به کسانی که این فرزندان را به فرزند قبول
می کنند محبت و آرامی تو را اعلام می کنیم تا آنچه که باید به این
کودکان داده شود چه خوراک جسمانی و چه خوراک روحانی
را از دستان تو بگیرند و دهنده باشند. ای خداوند، برای کسانی که
داوطلبانه و رایگان به این مرکز می آیند و کارهای کودکان را انجام
می دهند، مانند دندانپزشکی، پزشکی وغیره برکت صد چندان
می طلبیم و از تو برای ایشان قوت و قدرت خواهانیم.

خداوند! برای منابع گردشگری این استان دعا می کنیم. استان
اصفهان یکی از بزرگترین شهرهای سیاحتی ایران به شمار می آید.
ای خداوند، رونق را در این استان از طریق گردشگری روز افزون

کن و با دستان مبارک خود برکت ده. آمین هر گردشگری که به
این استان می آید جلال و شکوه تو را ببیند و درک کند که این همه
زیبایی هنر دستان قادر مطلق جز تو نیست.

خداوند، زنان باردار را به حضورت می آوریم و فرزندان در
رحمشان را؛ از تو می طلبیم تا برای آنها تمام نیازهای روزانه شان را
برآورده کنی، آمین در سلامتی و روشنائی تو باشند. خداوند، در
این ماهها آنها را تو در دستان پر محبت حمل کن و از هر بیماری،
ناراحتی و از هر شرارتی تو آنها را محافظت کنی و عبور دهی.
آمین فرزندان در رحمشان در همان ابتدای زندگی نام تو را بشناسند
و برای جلال دادن نام تو به این دنیا بیایند.

ای خداوند! برای مشکلات استان اصفهان، مشکلات کم آبی هم
برای مصرف روزانه و هم برای کشاورزی، مشکلات آلودگی هوا،



مشکلات بهداشتی و کمبود پزشکان متخصص به درگاهت دعا
می کنیم. پدر جان ایمان داریم تو قوم خود را می بینی و ناله های
آنها می شنوی و به یاری آنها می شتایی. خداوند! چشم و گوش
مردم این استان را به خودت معطوف کن تا بشنوند صدای تو را و
ببینند جلالت را.

برای عزیزان ایماندار این استان دعا می کنیم و از تو برای آنها قوت
و برکت می طلبیم تا در سختی ها چشمانشان به تو باشد و برای جلال
نامت و گسترش ملکوت تو همچنان قدم بردارند و ناامید نشوند. ای
خداوند، ای ابدی و ازلی، از تو سپاسگزاریم برای تمام کارهای
عظیمت. شکرت می کنیم برای این همه زیبایی که در این استان
نهادی تا هر بیننده ای را به فکر فرو ببرد و در قدرت و قوت دستان
تو تأمل کند. خداوند، شکر برای فرصتی که به ما دادی تا برای
هموطنان عزیزمان شفاعت و آنها را به درگاهت بلند کنیم. ایمان
داریم که به این دعاها آمین گفتی و برای نجات قوم خود تو قیام
کردی. دعاهايمان را به حضورت آوردیم و با شکر و سپاس در نام
پر جلال عیسی مسیح طلبیدیم. آمین.

آمین



از تک به تک شما عزیزان که با ما هم دعا
هستید سپاسگزاریم و از شما دعوت
می کنیم تا درخواست های دعاي خود و حتی نام شهر
و روستایی که در نظر دارید را از طریق راه های ارتباطی (در
انتهای مجله) با ما در میان بگذارید.



دنبشته‌های دور و نزدیک

خدای قدوس من، خدای مهربانم، شکر که تو هستی و تو را دارم. با تمام قلب به حضورت آمده‌ام برای عشق‌بازی با تو، برای غرق شدن در دریای بیکران وجودت. خداوندم، ببخش اگر تا به امروز تو را محدود کردم و فقط تو را مال خود خواستم؛ ببخش اگر نگاهم به قدرت و عظمت تو فقط بر روی زمین بود، که خدای من قادر است تا دریای سرخ را بر روی قوم خدا و موسی باز کند، که تو نام خود را بر فرعون و نبوکدنصر جلال دادی، که تو دیوار اریحا را فرو ریختی، که تو مشکلات قومت را یکی پس از دیگری حل کردی. ببخش خداوندم، برای افکار کوچکم که زمینی اندیشید، ببخش که تو را در محدوده خودم دیدم، اما باز شکر؛ امروز با هدایت روح القدس سفری تازه به خارج از محدوده جسم و خارج از زمین داشتم. سفر به بیکرانی آسمان تو. از درون پرواز کردم و در میان منظومه شمسی در کهکشان تو در لایه لای کرات و ستاره‌ها، قدرت و عظمت تازه‌ای از تو را یافتم. این چه قدرتیست؟ چگونه این مجموعه عظیم در جریان است در نظم و هماهنگی؟ ایمان دارم در مشارکت و اتحاد با روح تو و برای جلال نام تو در کار هستند. دریافتم که خداوند قدرتمندتر، عظیم‌تر و با حکمت‌تر از این است که تنها بر روی زمین به دنبالش بگردم. پدر آسمانی، می‌دانم تا رسیدن به تو و تا هم شکل تو شدن باید بسیار پرواز کرد و این امکان ندارد مگر سوار بر بال روح القدس به پرواز ادامه دهم. دریافتم ابتدا باید به خود آیم تا به خدا برسیم. یاریم کن تا به یاری تو به آنچه می‌خواهی برگردم.

دخترت زهرا

من خدایی را دوست دارم که اثر انگشتانش را بر روی تک تک برگ‌های درختان می‌بینم. که بوی لطیفش را از نسیم خوش بهاری استشمام می‌کنم.

نوازش قلبم را به تپش وا می‌دارد و انگشتانم را به لرزه و با او هر روزه از نو عاشق می‌شوم. خدای خوب و پاکم! محبت را با کدامین کلمات توصیف کنم؟! تو که در تمامی راه‌های کامل و با شکوهی، تو که در عظمت و شکوه بی‌ظیری، کدامین کلمات زیبایی و محبت تو را توصیف تواند کرد؟

آنگاه که دور می‌شوم باز هم نزدیکی، نزدیکتر از لحظه‌های نزدیک. محبت را چگونه توصیف کنم که حقیقتاً عمیق‌تر از هر محبت و عشقی است که تاکنون چشیده‌ام. چشمانم غرق تماشای توست و قلبم مالا مال از محبت و عشق تو. تو را با کدامین کلمات توصیف کنم؟! تو خدای خوب و پاک منی.

دخترت سولماز

در اتاق کوچک دلم تنها نشسته بودم آهنگی در گوشم خنده‌ای بر لبم، نمایشی شیرین بود. روی مبل آبی، کوسن طلایی رو محکم بغل کرده بودم. صدایش را نشنیدم؛ صدای آجرهایی که خرد می‌شود؛ اما لرزیدم، تا به خود آمدم زیر آوار مانده بودم، حتی کوسن طلایی هم دیگر طلایی نبود!! دست‌ها و پاهایم را نمی‌توانستم تکان دهم، همه چیز خاکستری بود و من زیر آوار نفس می‌کشیدم، زنده بودم اما مدفون. آیا کسی مرا خواهد یافت؟؟

آجرهایی که چیده بودم، حال پیش چشمانم بود. آواری از خشم و نفرت در هم تنیده؛ اثری از رنگ‌های زیبایی که روی آنها کشیده بودم دیده نمی‌شد، همه جا خاکستری بود.

لیخنند نمایشی من به بغضی بدل شده بود. از چه نالانم، مگر حقیقت جز اینست که بر روی آن زندگی را سپری می‌کردم؟؟ زمین لرزه‌ای حقیقت رنگ و طعم زندگی را بیرون کشید. ناگاه صدایی شنیدم که می‌گفت:

آیا صدای مرا می‌شنوی؟

ای که در زیر آوارهایی از سنگ و کلوخی.

آیا صدای مرا می‌شنوی...

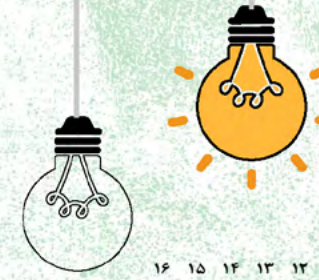
من نوید زندگی هستم؟

مرا بیاب ...

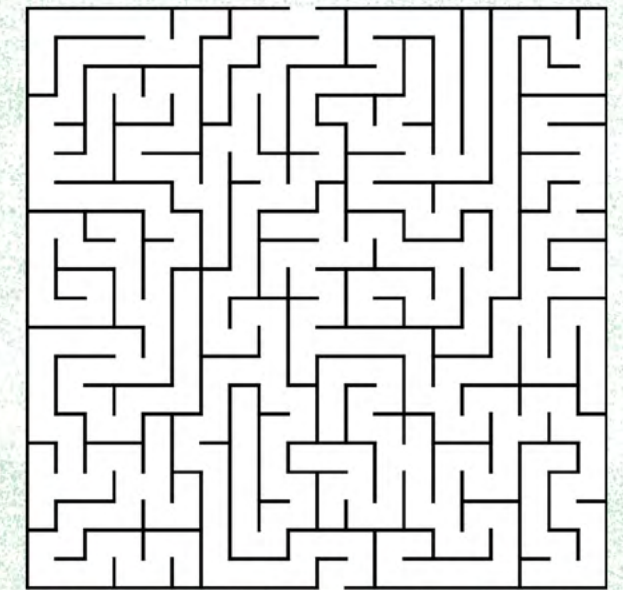
من آمده‌ام تا حقیقت را زندگی کنی و از درون فریاد شادی سر دهی آیا مرا می‌شنوی؟

دخترت المیرا

پاسخ جدول شماره ۱.۵



راه را بیاب



رستاخیز مسیح
مبارک



افقی

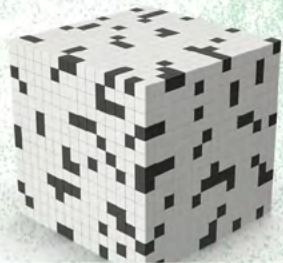
- ۱- به واسطه عیسی مسیح
آمد - نزار، ستیزه‌گری.
۲- حرف صریح - همکار
بود - آک - مکمل بازدم.
۳- پادشاه سالم - سفره
محقر با محبت، به از ضیافت
شاهانه با چه چیز است؟
۴- دودمان.
۵- اما چون به آن تعلق
ندارید، از شما نفرت دارد
- علیل - کلام خدا به چه
شمیری تشبیه شده است.
۶- هشتم‌های عیسی - آب
خارجی.
۷- ضامن چیزهایی است که
بدان امید داریم - صخره -
احق را می‌کشد.
۸- تاجی از جنس آن بر سر
عیسی نهادند - دلسوزی -
اشتیاق خیانت‌پیشگان به آن
است.
۹- نصف - نبوت می‌کند.

مردم

- ۱- به همه کسانی که مسیح را پذیرفتند، این حق را داد که چه خوانده شوند - دورنمای عمر.
- ۲- عدد اول - عامل انتقال صفات ارثی - پیشرو عزت.
- ۳- گذشتن ایمان از بونه آزمایش چه چیزی به بار می آورد - نام او مایه چه چیزی برای همه قومها خواهد بود؟
- ۴- از ثمرات روح القدس - عیسی در شام آخر بدن خود را به آن تشبیه کرد - پیدادگری.
- ۵- به معنی سرگردانی در عبری - کلمه درد.
- ۶- با تکبر می آید - ایمان بدون عمل.
- ۷- مزد و پاداش - یهودی هم عصر عزرا که دیوارهای اورشلیم را مرمت کرد - چیز.
- ۸- بدنه - افشای راز - مخفف ماه - انتها.
- ۹- حقارت - دو بار هم قد.
- ۱۰- پارسایی محصولی است که به دست چه کسانی کاشته می شود - دریا - بار.
- ۱۱- ستودن - کلمه تنفر - کلمه آرامی بیانگر انزجار.
- ۱۲- تکان ریز - برخاستن عیسی از مردگان.
- ۱۳- فلز پر مصرف - نمی شنود - عجله.
- ۱۴- محبت نمی فروشد - حقیر - کوتاه ترین انجیل.
- ۱۵- لرد در هم - نادان خانه خود را روی آن بنا می کند - همبستگی.
- ۱۶- اراده قوی - ترس خداوند سر آغاز آن است - از دنده او حوا ساخته شد - سر هر زن.

جدول شماره

104



تیم طراحی جدول و سرگرمی اسمیرنا





www.smyrna-magazine.com

Copyright©2025 by IBM
Presented By Jubal Band Ministries

JUBAL BAND presents : The Monthly magazine in Persian that promotes the biblical faith and Iranian Christian culture
please contact with us by : (+1) 770 268 91 76 - (+1) 469 793 96 88 - (+90) 534 269 75 45

